

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

## بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و اندرو جی نیومن درباره مهدویت و مسائل پیرامونی

اصغر فروغی ابری<sup>۱</sup>

ندا بدیعیان فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۷ ش)، شرق شناسی وارد عرصه جدیدی شد. ماهیت انقلاب اسلامی ایران چنان بود که سیاست های حکومتی کشورهای جهان به ویژه در قرن بیستم را بر هم زد و دریچه جدیدی حول محور حاکمیت دین طبق آموزه های اسلام ناب برای اداره جهان به سوی بشریت باز نمود. آن چه مستشرقین را به واکنش و داشت و منجر به بازنگری آنها در مطالعات اسلامی شان شد؛ مسائلی همچون جایگاه امامت، مهدویت و ولایت فقیه در این حکومت جدید بود. آن چه در این پژوهش مورد تأکید است، بررسی آراء هالم و نیومن (دو مستشرق متأخر) در عقیده مهدویت است که نتیجه آن زیر سؤال بردن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به روش تاریخی و حدیثی دو مستشرق مورد مطالعه، روش این نوشتار نیز جمع آوری شواهد و قرائن تاریخی و ذکر احادیث در اثبات مسائل مورد تردید این دو متفکر غربی است. این تحقیق برای اثبات متولد شدن امام دوازدهم علیه السلام در سال ۲۵۵ ه. ق و غیبت ایشان در

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته شیعه شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (n.badieian@yahoo.com).

زمان کنونی و صدور مجوز تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از امام غایب در صورت فراهم شدن شرایط و در نتیجه مشروعیت نظام مقدس جمهوری اسلامی در زمان غیبت است.

#### واژگان کلیدی

مهدویت، متولد شدن امام مهدی علیه السلام، غیبت، سازمان وکالت، ظهور امام مهدی علیه السلام.

#### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران و در پی آن تشکیل حکومت اسلامی حول محور ولی فقیه که در زمان غیبت، جانشین آن امام معصوم بود، شکل گرفت و مشروعیت خود را از عقیده به مهدویت وام گرفت. محققان و مستشرقانی که پیرامون این انقلاب تحقیق و نظریه پردازی کردند نیز به خوبی به این نتیجه دست یافتند و برای یافتن یکی از ریشه‌های مهم (و بلکه مهم‌ترین ریشه) پیروزی این انقلاب دینی، تحقیق در باب مهدویت را ضروری دانسته و وارد عرصه تحقیق در این زمینه شده‌اند. دو مستشرق مورد مطالعه این نوشتار نیز در این باره به تحقیق پرداخته و به نتایجی دست یافته‌اند که در ادامه به ذکر و نقد آنها پرداخته خواهد شد. بررسی آراء این دو مستشرق با تکیه بر دو کتاب مهم و مشهور این دو مستشرق یعنی کتاب تشیع هالم و دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی نیومن خواهد بود. آن چه مسلم است آنکه، یکی از مهم‌ترین اشکالات تحقیق هر دو مستشرق (و به طور کلی مستشرقان) که اثر بسیار وسیعی در تحقیق ایشان گذارده و در نهایت نوع نتیجه‌ای که از تحقیقات‌شان عایدشان شده را نیز تحت الشعاع قرار داده است، استفاده از منابع محدود است. روش تحقیق هالم که به طور کلی به بررسی منابعی درباره مهدویت پرداخته و با همان منابع (عمدتاً کتب اهل سنت) محدود دست به نتیجه‌گیری زده است، بیشتر قابل تأمل است. شایان ذکر است کتب اهل سنت نیز حاوی احادیث فراوانی در اثبات وجود و غیبت امام مهدی علیه السلام است اما عقیده کلی اهل سنت بر به دنیا نیامدن امام و غیبت ایشان است.

هالم درباره مهدویت منابعی شیعی مانند *فرق الشیعه* نوبختی و *الارشاد* شیخ مفید را نیز برای مطالعه بیشتر معرفی می‌کند اما پرواضح است که این منابع (چنانچه مورد مطالعه خود هالم قرار گرفته باشد) برای او اغنا کننده در این باره نبوده است. البته تنها این دو کتاب برای چنین مبحثی و چنان نتایجی که هالم گرفته است بسیار کم و تقریباً هیچ است. در مورد دکتر نیومن

باید گفت که ایشان اساس کار تحقیقی اش را بررسی سه کتاب *محاسن برقی*، *بصائر الدرجات* صفار قمی و *کافی* کلینی قرار داده است و بر اساس این کتب به جملاتی محدود درباره مهدویت اشاره کرده و بنای بررسی کتب بیشتر را نداشته است؛ ضمن آن که ایشان خود را متخصص در باب مهدویت نمی داند. با این وجود با بررسی این سه کتاب مشخص می شود که در این کتب نیز آشکارا مطالبی وجود دارد که نیومن رأی بر نبود آنها می دهد و به همین دلیل مطالبی را اذعان می کند که به طور ضمنی اشاره بر ترجیح او بر نبود امام مهدی علیه السلام و در نتیجه باطل بودن عقیده به مهدویت است. البته او در ادامه با قبول فرضی عقیده مهدویت، ولایت فقیه به عنوان جانشین امام و حکومتی که بر پایه این عقیده استوار باشد را بر اساس روایاتی که در کتب سه گانه مذکور یافته است، زیر سؤال می برد.

### معرفی اجمالی هالم و نیومن

هالم اسلام شناس و شیعه شناسی آلمانی است که در سال ۱۹۶۹ دکترای فلسفه را اخذ کرد و در سال ۱۹۷۵ استاد رشته اسلام شناسی دانشگاه توپینگن شد. محور مطالعات و تحقیقات او تاریخ اسلام در شرق نزدیک، بخصوص مصر و آفریقای شمالی و فرقه های اسماعیلی و شیعه بوده است. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۸) نیومن نیز استادیار مطالعات اسلامی و فارسی دانشگاه ادینبورو، دارای مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات اسلامی از دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس و دکترای مطالعات اسلامی از همان دانشگاه است. حوزه تحقیقاتی او تاریخ تشیع امامیه، تاریخ فقه اسلامی، سیر تکاملی بنیان های شرعی نظری و عملی پزشکی اسلامی، تاریخ ایران و زبان و ادبیات فارسی و ادبیات معاصر عرب است. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۴)

### دیدگاه هالم و نیومن در مورد اصل مهدویت

هالم اصطلاح «المهدی» را ساخته و پرداخته مختار می داند که در مقابل دو رهبر ضلال یعنی بنی امیه و ابن زبیر وضع کرد. او ادعا می کند در ابتدا، این اصطلاح خالی از مفهوم آخرالزمانی است و صرفاً امام بر حقی به شمار می آمد که از طرف خدا تعیین شده بود. وی در ادامه اظهار می دارد:

«کیسانیه» به وجود آورنده عقاید و مفاهیمی مانند مهدویت، غیبت و رجعت است که بعدها از عناصر اصلی سنت تشیع به شمار آمد و شاخه های دیگر تشیع آن را پذیرفتند و گسترش دادند.

سپس در تناقضی آشکار با اظهارات قبلی‌اش می‌نویسد:

تشیع دوازده امامی، عقیده به مهدویت را از واقفی‌ها اقتباس نموده است.

هالم مدعی است:

رساله‌های غیبت به قلم شیعیان دوازده امامی از نمونه واقفیه سرچشمه گرفته بود. (هالم، ۱۳۸۹: ۸۹)

هالم اظهار می‌کند:

عقیده به این‌که امام دوازدهم در سال ۲۶۰ از نظرها غایب شد، به تدریج از قرن چهارم بر سایر تعالیم امامی شیعیان تفوق یافت و در آن زمان بود که امامیه‌ها به صورت «دوازده امامی» درآمدند. (هالم، ۱۳۸۹: ۸۱)

وی همچنین اظهار می‌دارد:

مهم‌ترین کمک ابن بابویه به تدوین اصول عقاید تشیع دوازده امامی عبارت است از استدلال‌ها و شواهدی بر وجود امام غایب و موضوع‌هایی چون غیبت و سفارت و به موازات آن، که مفهوم امامت در تلقی اثنی عشری آن را سرانجام نویسندگان قرن چهارم رسمیت بخشیدند. (هالم، ۱۳۸۹: ۹۰)

بدین ترتیب روشن می‌شود که هالم عقیده مهدویت را از اصول اساسی اسلام (مانند پیامبر ﷺ یا امامان علیهم‌السلام) نمی‌داند و به دنبال منبع اولیه تقلید تفکر امامیه در مورد امام دوازدهم است که گاهی به اشتباه آن را به کیسانیه و گاهی به واقفیه نسبت می‌دهد. او عقاید بنیادین مهدویت را که اولین بار از زبان پیامبر گرامی اسلام ﷺ جاری شده و وارد تعلیمات اساسی این دین گشته است را به علمای قرن چهارمی نسبت می‌دهد که کتاب‌هایشان تنها برای نقل احادیث پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و روشنگری‌های عقلی و تاریخی تدوین گشته بود.

نیومن نیز مهدویت را اصلی که بعدها به آن معتقد شده‌اند می‌داند و می‌نویسد:

قریب سال ۲۹۰ ق / ۹۰۳ م یعنی یک دهه پس از فوت برقی و قریب سی سال پس از غیبت امام دوازدهم علیهم‌السلام، این ایده که پسر امام یازدهم علیهم‌السلام همان "قائم" است، به طور گسترده ای پذیرفته شد... و در این دوره با توجه به تداوم فشارهای سیاسی و نظامی که بر قم وارد آمده بود، گردآوری محاسن برای زندگی شیعیان قم مهم تر انگاشته شد. (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۰۴)

با این جملات می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از نظر دکتر نیومن، منبع الهام عقیده شیعیان

امامی به امام دوازدهم، تولد و غیبت این امام؛ منابعی است که در این دوره توسط علمای امامیه مثل برقی و صفار قمی و... نوشته شده است و اتصال آن به احادیث پیامبر ﷺ که هم در منابع اهل سنت و هم در منابع تشیع وجود دارد و احادیث همه ائمه علیهم السلام که در منابع شیعی است، رد شده است. این در حالی است که منابع قدیمی تر که محتوای آن، بحث تخصصی در زمینه مهدویت است، قبل از این سه کتاب وجود داشته و این که چرا دکتر نیومن تنها این سه کتاب و مقایسه آنها را برای دست یافتن به مباحثی مانند مهدویت و حکومت اسلامی در زمان غیبت (ولایت فقیه) انتخاب کرده و به سراغ کتاب دیگری برای نتیجه گیری علمی تر نرفته است، محل پرسش است.

با توجه به این ایرادات و نواقص در کار هر دو مستشرق؛ لازم می نماید ابتدا عقیده به مهدویت شامل تولد و غیبت از احادیث نبوی هم از منابع اهل سنت و هم منابع تشیع آورده شود. همین اندازه که اهل سنت هم (با تفاوت هایی جزئی) عقیده به وجود این امام دوازدهم دارد و علمایی از اهل سنت کتاب هایی مستقل درباره مهدویت نوشته اند و حتی گاهی در همین منابع مواجه می شویم با این عقیده اهل سنت که اگر فردی به مهدویت عقیده نداشته باشد، مرتد است؛ به این نتیجه بسیار مهم می رسیم که عقیده مشترک در تشیع و اهل سنت، نشان از سرچشمه واحد آن که همانا پیامبر عظیم الشان اسلام است، دارد.

### نقد دیدگاه هالم و نیومن درباره اصل مهدویت

در پاسخ ادعای دکتر هالم مبنی بر تقلید امامیه از کیسانیه یا واقفیه در مورد مهدویت، باید گفت اگر فرق مختلف اسلامی اعتقاد به اندیشه واحدی دارند، نشان از سرچشمه واحد (احادیث نبوی در این باره) آن دارد نه آن که فرقه های مختلف این اندیشه را از یکدیگر تقلید و اقتباس کرده اند. اگر طبق نظر دکتر هالم پذیرفته شود که اندیشه مهدویت شیعه امامیه از دیگر فرق تقلید شده است، ناگزیر باید پذیرفت که مسیحیت نیز اندیشه منجی را از یهود و یهود از بوداییان و بوداییان از زرتشتیان و... اقتباس کرده اند چرا که در همه این ادیان از منجی آخرالزمان صحبت شده و وعده ظهور آن داده شده است. در حالی که چنین نیست و تنها نتیجه معقول از این وسعت تذکار منجی در همه ادیان، آن است که خدایی واحد که فرستنده همه این ادیان الهی و آسمانی بوده، این وعده را داده است. در اسلام نیز وعده ظهور امام مهدی ﷺ از زبان آخرین مرسل، پیامبر اکرم ﷺ داده شده، بنابراین در اعتقاد همه فرق

اسلامی یافت می‌شود.

### ۱. اندیشه منجی در ادیان

در اینجا به ذکر مثال‌هایی (بشارت‌دهنده بر ظهور منجی در آخرالزمان) در ادیان مختلف پرداخته می‌شود که نشان می‌دهد در همیشه تاریخ، ظهور منجی در همه ادیان مطرح بوده است.

| کتاب عهد قدیم    | شماره روایت                                                                    |
|------------------|--------------------------------------------------------------------------------|
| سفر لاوین        | روایت ۲۶                                                                       |
| سفر عدد          | روایت ۱۴                                                                       |
| سفر تثنیه        | روایت ۳۳                                                                       |
| سفر مزامیر       | مزمور یا سرودهای ۳۴، ۳۷، ۴۵، ۷۲ و ۸۵                                           |
| سفر امثال سلیمان | روایت ۲                                                                        |
| سفر اشعیا        | روایات ۲، ۵، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۱، ۶۰ و ۶۵                   |
| سفر ارمیا        | روایات ۱۱، ۲۹ و ۳۰                                                             |
| سفر حزقیال       | روایات ۳۷، ۳۹ و ۴۹                                                             |
| سفر دانیال       | روایات ۲ و ۱۲                                                                  |
| سفر هوشع         | روایت ۳                                                                        |
| سفر یوئیل        | روایات ۲ و ۳                                                                   |
| سفر عاموس        | روایت ۴                                                                        |
| سفر حبقوق        | روایت ۲                                                                        |
| سفر صفتیا        | روایت ۳                                                                        |
| سفر حزقی         | روایت ۲                                                                        |
| سفر زکریا        | روایات ۹، ۱۳ و ۱۴                                                              |
| سفر تکوین        | روایت ۱۷                                                                       |
| سفر یشوع         | روایت ۲۳                                                                       |
| رساله عبرانیان   | صفحه ۹                                                                         |
| اسرائیل و تلمود  | انتظار موعود در نزد یهودیان در صفحه ۶۰ و انتظار مسیح در نزد یهودیان در صفحه ۶۵ |

مثلاً در کتاب «حبقوق» نبی می‌خوانیم:

... و اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ خواهد نمود؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند و تمامی را برای خویشتن فراهم می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۵)

| کتاب عهد جدید (اناجیل) | شماره روایت                                  |
|------------------------|----------------------------------------------|
| انجیل متی              | روایات ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۴ و ۲۵ |

| شماره روایت                     | کتاب عهد جدید (اناجیل)       |
|---------------------------------|------------------------------|
| روایات ۱۰ و ۱۳                  | انجیل مرقس                   |
| روایات ۶، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۱ | انجیل لوقا                   |
| روایات ۴، ۵، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶      | انجیل یوحنا                  |
| روایت ۸۲                        | انجیل برنابا                 |
| روایات ۸ و ۱۵                   | رساله پولس نبی به سوی رومیان |

مثلاً در انجیل «لوقا» آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را افروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنید! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۶)

| شماره صفحه     | کتاب هندویان   |
|----------------|----------------|
| صفحه ۳۲۱       | کتاب ماللهند   |
| صفحات ۱۸ و ۲۷۲ | کتاب شن جوک    |
| صفحات ۲۴۵-۲۴۶  | کتاب دیده      |
| صفحه ۲۴۶       | کتاب باسک      |
| صفحات ۴۷ و ۲۴۶ | کتاب پاتیکل    |
| صفحات ۱۷ و ۲۴۲ | کتاب شاکمونی   |
| صفحه ۲۳۷       | کتاب اوپانیشاد |

مثلاً در کتاب «دیده» آمده است:

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلائی باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به آئین خود درآورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۴)

| شماره صفحه                     | کتاب زرتشتیان     |
|--------------------------------|-------------------|
| صفحات ۲۰ و ۷۳                  | کتاب جاماسب       |
| صفحات ۱۵، ۱۹، ۲۵، ۳۴، ۳۸ و ۲۳۷ | کتاب زند بهمن یسن |

مثلاً در کتاب «جاماسب نامه»، جاماسب از زرتشت نقل می‌کند که می‌گوید:

مردی بیرون می‌آید از زمین تازیان... مردی بزرگ سرو بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر آئین خویش و با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳)<sup>۱</sup>

۱۱

بنابراین با وجود چنین روایاتی در باب انتظار در همه ادیان، زیر سؤال بردن اندیشه مهدویت در تشیع، برابر است با زیر سؤال بردن این اندیشه در همه ادیان. با این وجود، برای

۱. برای داده‌های در جداول رجوع کنید به: المهری، ۱۴۲۸: ۱، ۲۵-۷۶.

اثبات صحت اعتقاد به مهدویت آن گونه که در تشیع است، به نظر می‌رسد برای اثبات تولد یافتن، غیبت و وجود آن امام همام در حال حاضر، ذکر احادیث پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام با رجوع به منابع شیعه و سنی، اولین قدم باشد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است روش تحقیقی هالم بیشتر تاریخی است و از وقایع تاریخی اقدام به نتیجه گیری نموده است و روش نیومن حدیثی است و سعی کرده با بررسی سه کتاب حدیثی پیش گفته به ذکر مفاهیم شیعی بپردازد. بنابراین در این پژوهش نیز پس از بررسی مطالب این دو شرق شناس، متناسب با روش هر دو روش، از لحاظ تاریخی و حدیثی به اثبات تولد و وجود امام مهدی ﷺ و غیبت ایشان پرداخته خواهد شد.

## ۱.۲ احادیث مهدویت

در ابتدا باید گفت احادیث مهدوی در موضوعات مختلف آن، بسیار زیاد و دارای تواتر است. تنها فهرستی کوچک از این احادیث به همراه تعداد به صورت موضوعی ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است احادیث مهدوی چه در منابع اهل سنت و چه منابع شیعی، بسیار زیاد است و در اینجا تنها به ذکر مواردی پرداخته شده که با موضوعات مطرح شده در این پژوهش در تناسب است:

| موضوعات مهدوی                                          | تعداد احادیث در این مورد |
|--------------------------------------------------------|--------------------------|
| ۱ بشارت بر ظهور مهدی ﷺ                                 | ۶۵۷ حدیث                 |
| ۲ مهدی از اهل البیت است                                | ۳۸۹ حدیث                 |
| ۳ از فرزندان امیر المؤمنین علی ﷺ است                   | ۲۱۴ حدیث                 |
| ۴ از فرزندان فاطمه زهرا ﷺ است                          | ۱۹۲ حدیث                 |
| ۵ از فرزندان حسین ﷺ است                                | ۱۸۵ حدیث                 |
| ۶ فرزند امام حسن عسکری ﷺ است                           | ۱۴۶ حدیث                 |
| ۷ زمین را پراز عدل و داد می‌کند                        | ۱۲۳ حدیث                 |
| ۸ غیبتی طولانی دارد                                    | ۹۱ حدیث                  |
| ۹ دارای دو عیبت است که یکی کوتاه تر از دیگری است       | ۱۰ حدیث                  |
| ۱۰ عمری طولانی دارد                                    | ۳۱۸ حدیث                 |
| ۱۱ ولادت او مخفی است                                   | ۱۴ حدیث                  |
| ۱۲ کسانی که او را در زمان پدر یا در غیبت صغری دیده اند | ۴۴ حدیث                  |
| و حدود ۷۰ نوع موضوع دیگر                               |                          |

به گونه‌ای که می‌توان گفت در اسلام پس از موضوع ولایت و امامت علی ﷺ در هیچ مبحث کلامی دیگر بدین تفصیل و تأکید سخن نگفته‌اند. (صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۰) باید اشاره کرد تعداد منابع شیعه و سنی مورد مطالعه در منتخب/لایه، ۱۵۷ کتاب و مجموع احادیث ۶۰۳۶ و



جمع کل آورده شده در این کتاب ۹۲۲ حدیث است. (جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱: ۳۰) البته در نقلی دیگر گفته شده در این کتاب جمعاً ۸۳۰ روایت ذکر شده که ارجاعات آن نیز ۵۳۸۷ مورد می باشد، که مجموع احادیث و ارجاعات آن به عدد ۶۲۱۷ بالغ می شود. (اکبر نژاد، ۱۳۸۸: ۳۶) در *معجم احادیث امام مهدی* علیه السلام نیز تعداد ۱۹۴۱ حدیث مهدوی آورده شده است.<sup>۱</sup>

### ۳. احادیث ثبت شده مهدوی پیش از تولد امام مهدی علیه السلام و پس از آن

از کتاب های حدیثی مستقلی که توسط اهل سنت درباره مهدویت نوشته شده است؛ می توان به محدثان و دانشمندان بنامی هم چون: صنعانی (م ۲۱۱ ه. ق)، ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ ه. ق)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ه. ق)، ابن ماجه (م ۲۷۳ ه. ق)، ابی داود (م ۲۷۵ ه. ق)، ترمذی (م ۲۹۷ ه. ق)، مقدسی (م ۳۵۵ ه. ق)، طبرانی (م ۳۶۰ ه. ق)، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ه. ق)، ابن اثیر (م ۶۰۶ ه. ق)، سبط جوزی (م ۶۵۴ ه. ق)، ابن تیمیه (م ۷۲۸ ه. ق)، ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ه. ق)، هیثمی (م ۸۰۷ ه. ق)، سیوطی (م ۹۱۱ ه. ق)، ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ه. ق) و متقی هندی (م ۹۷۵ ه. ق) اشاره کرد که در کتاب های خود روایات و احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده اند. از میان دانشمندان شیعه نیز می توان از محدثان بنام و معروفی هم چون شیخ کلینی (م ۳۲۹ ه. ق)، نعمانی (م ۳۴۲ ه. ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه. ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ ه. ق)، شیخ الطائفه طوسی (م ۴۶۰ ه. ق)، محقق اربلی (م ۶۹۳ ه. ق) و مجلسی (م ۱۱۱۱ ه. ق) نام برد که حدیث های مهدویت را به تفصیل ذکر کرده اند. (اکبر نژاد، ۱۳۸۸: ۳۳)

آن چه قابل توجه است و پاسخ درخور توجهی است برای ادعاهای هر دو مستشرق، منابع زیاد شیعه و سنی است که از سال ها پیش از تولد امام دوازدهم به رشته تحریر درآمده است. شایان توجه است که بسیاری از مسائلی که شیعه پس از غیبت با آن مواجه شد، در کتب شیعی از زبان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام پیش گویی شده و نشان از آن دارد که شیعیان خالص پیرو اهل بیت علیهم السلام از همان ابتدا می دانستند که چنین دورانی خواهد آمد. شیعه در زمان غیبت صغری با وجود امام عصر علیه السلام و تشکیلاتی مانند سازمان وکالت که از سال ها قبل آغاز به کار کرده بود و شیعیان با سازوکار آن آشنایی کامل داشتند، دچار حیرت نشد. تنها در اوایل عصر

۱. برای داده های جدول رجوع کنید به: منتخب الاثر.

غیبت کبری است که مدتی این تحیر به وجود می‌آید چرا که تا کنون شیعه از وجود امام و دستور مستقیم یا با واسطه ایشان محروم نبود و وجود چنین شرایطی، تحیر شیعیان را کاملاً قابل درک می‌سازد. این تحیر نیز پس از مدت کوتاهی با مراجعه به احادیث امام مهدی علیه السلام برطرف گشته و عصر علما و فقاها ایشان آغاز می‌گردد. چنان که می‌بینیم از این عصر به بعد فرقه‌ای بر فرق تشیع اضافه نشد و شیعیان طبق دستور قبلی چهارده معصوم، چنان که باید عمل می‌کردند، عمل کردند.

| بعد از ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small>                                                                                                                                                                                       | قبل از ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small>                                                                                                                                                  |               |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------|
| کتاب الکافی از کلینی - کتاب قرب الإسناد از ابوالعباس حمیری - کتاب بصائر الدرجات از صفار قمی - کتاب المحاسن از برقی - کتاب کفایة الأثر از خزاز قمی - کتاب الارشاد از شیخ مفید                                                            | کتاب اسرار آل محمد <small>علیهم السلام</small> از سلیم بن قیس - کتاب الغیبة للحجه از عباس بن هشام - کتاب اخبار المهدی از الرواجی الکوفی - کتاب القائم الصغیر از البطائنی - کتاب الغیبة از الأنماطی | منابع شیعه    |
| سنن ابی داود - سنن ابن ماجه - سنن ترمذی - کتاب بغیة الرائد از نورالدین هیثمی - صحیح ابن حبان - موارد الظلمات از نورالدین هیثمی - المعجم الاوسط از طبرانی - المستدرک علی الصحیحین از حاکم نیشابوری - السنن الواردة از سعید المقرئ الدانی | کتاب الجامع از راشد ازدی - کتاب الرسالة از محمد بن ادريس شافعی - کتاب المصنف از صنعانی - کتاب الفتن از الخزاعی المروزی - المصنف فی الاحادیث والآثار از ابن ابی شیبة الکوفی العبسی - مسند احمد      | منابع اهل سنت |

(جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱: ۱۲-۲۱)

شایان ذکر است کتاب‌های نام برده در جدول بالا تنها منابعی است که به طور اجمال یا مفصل، در کنار پرداختن به مباحث دیگر به بحث امام مهدی علیه السلام نیز توجه کرده‌اند. اما چنانچه در ادامه خواهد آمد و نقدی است بر مطالب هر دو مستشرق؛ آن است که در موضوع مهدویت علاوه بر کتب پیش گفته، کتبی موجود است (هم در منابع شیعه و هم اهل سنت) که اختصاص به موضوع مهدویت دارد و از طرح مباحث دیگر اجتناب نموده تا منبع جامعی باشد برای تحقیق در مهدویت. چنانچه قبلاً نیز ذکر شد، هالم به کتبی مانند *فرق الشیعه* نوبختی یا *الارشاد* شیخ مفید برای مطالعه بیشتر در زمینه مهدویت ارجاع داده است و همان طور که گذشت، هر دو این کتب از کتبی است که به صورت تخصصی وارد مبحث تخصصی مهدویت نشده‌اند و لازم بود از کتب مشهور تخصصی شیعه یا اهل سنت برای نتیجه‌گیری درست علمی توسط این دو مستشرق استفاده می‌شد. دکتر نیومن نیز برای هر سه موضوع مورد مطالعه در

این پژوهش، تنها به همان سه کتاب کافی کلینی، محاسن برقی و بصائر الدرجات صفار قمی تکیه کرده و اصلاً بنای بررسی بیشتر را نداشته است و با این وجود اقدام به نتیجه‌گیری در مبحثی تخصصی مانند مهدویت کرده است.

| منابع شیعه                                                                                                                                                                                                                                                                                      | منابع اهل سنت                                                                                                                                                                                                                                                         | کتاب‌های تخصصی مهدویت |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|
| * کمال الدین و تمام النعمة از شیخ صدوق<br>* الغيبة از ابن ابی زینب (نعمانی)<br>* الفصول العشرة فی الغيبة از شیخ مفید<br>* اربع رسالات فی الغيبة از شیخ مفید<br>* الغيبة للحجة از شیخ طوسی<br>* معجم احادیث الامام المهدی <small>علیه السلام</small><br>* منتخب الاثر از آیت الله صافی گلپایگانی | * الاربعین از ابونعیم اصفهانی<br>* البیان فی اخبار صاحب الزمان از گنجی شافعی<br>* الفصول المهمة از ابن صباغ<br>* الصواعق المحرقة از ابن حجر هیتمی شافعی<br>* البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان از متقی هندی<br>* موسوعة المهدی المنتظر از عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی |                       |

(جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۷ و ۲۱-۲۲)

ابتدا لازم می‌نماید تصویری روشن از عرصه‌های مشترک شیعه و سنی درباره امام مهدی علیه السلام ارائه گردد تا اثبات تواتر و حقانیت این احادیث عینی‌تر گردد و مشخص شود که این احادیث محصول محافل شیعی نبوده است. پذیرش گسترده این احادیث توسط اهل سنت، سندی است بر رد ادعای شیعی بودن عقیده به امام مهدی علیه السلام و انکار این عقیده توسط انکارکنندگان.

### عرصه‌های مشترک تشیع و تسنن راجع به امام مهدی علیه السلام

عرصه‌های مشترک راجع به مهدویت حدود چهارده مورد است.

| عرصه‌های مشترک تشیع و تسنن راجع به امام مهدی <small>علیه السلام</small> |                                                                                      |
|-------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱                                                                       | اصل مهدویت                                                                           |
| ۲                                                                       | وجوب اعتقاد به امر مهدی <small>علیه السلام</small>                                   |
| ۳                                                                       | جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی <small>علیه السلام</small>                              |
| ۴                                                                       | نزول عیسی <small>علیه السلام</small> و اقتدا به امام مهدی <small>علیه السلام</small> |
| ۵                                                                       | خسف بیداء                                                                            |
| ۶                                                                       | اتفاق بر لقب مهدی <small>علیه السلام</small>                                         |
| ۷                                                                       | امداد الهی                                                                           |
| ۸                                                                       | طلوع خورشید از مغرب                                                                  |

| عرصه‌های مشترک تشیع و تسنن راجع به امام مهدی <small>علیه السلام</small>      |    |
|------------------------------------------------------------------------------|----|
| مهدی <small>علیه السلام</small> از فرزندان فاطمه <small>علیها السلام</small> | ۹  |
| مشخصات ظاهری امام مهدی <small>علیه السلام</small>                            | ۱۰ |
| فراوانی نعمت در زمان امام                                                    | ۱۱ |
| بیعت بین رکن و مقام                                                          | ۱۲ |
| عدالت فراگیر                                                                 | ۱۳ |
| هم‌نام بودن با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>               | ۱۴ |

(جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۵)

### دیدگاه هالم و نیومن پیرامون تولد امام مهدی علیه السلام

هالم در کتاب تشیع صریحاً اعلام می‌کند:

امام حسن عسکری علیه السلام هنگام رحلت، از خود پسری برجای نگذاشت... این انقطاع در دودمان امامان، عامل ایجاد بحرانی شد که نویسندگان شیعی از آن به واژه «الحیره» و دوران سرگردانی نام می‌برند. (هالم، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴)

نیومن نیز در کتاب دوره شکل‌گیری تشیع به اشتباه می‌گوید:

امام دوازدهم علیه السلام در ماه شعبان و به احتمال زیاد در سال ۲۵۶ قمری به دنیا آمد. (نیومن، ۸۶: ۱۱۷)

و در مورد سال تولد ایشان این‌گونه اظهار تردید می‌کند:

خود کافی حاوی روایات متناقضی درباره ولادت امام دوازدهم علیه السلام است. در روایتی گفته شده است که ایشان در سال ۲۵۸ ق / ۸۷۱ م متولد شده درحالی که در روایت متقدم تری در مجموعه کلینی از امام علیه السلام نقل شده که ایشان در سال ۲۵۶ ق / ۸۷۰ م متولد گردیده است. (نیومن، ۱۳۸۶: ۳۷۳)

### نقد دیدگاه هالم و نیومن پیرامون تولد امام مهدی علیه السلام

#### ۱. اثبات تاریخی تولد امام مهدی علیه السلام

برای بررسی این که آیا امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ ه. ق متولد شده‌اند یا نه باید ابتدا بررسی شود که از نظر عقل این مسئله مربوط به چه رشته‌ای است و در نتیجه روش یافتن پاسخ را درک کرد. سؤال این که: آیا امام در سال ۲۵۵ متولد شده‌اند؟ تنها رشته‌ای که می‌تواند به این سؤال پاسخ مناسب و قانع‌کننده دهد، تاریخ است؛ روش تحقیق در علم تاریخ نیز جمع‌آوری قرائن و شواهد تاریخی است. پس برای فهم صحت آن، سنجش سلسله روایات احادیث (کاری

که ابن خلدون کرده و به این نتیجه رسیده که احادیث ضعیف است) کاری به جا و روشی مناسب سؤال تحقیق نیست. نکته دیگری که در پاسخ به این مسئله باید مد نظر قرار بگیرد، رعایت اقتضای زمان و مکان است؛ منظور آن که در آن شرایط زمانی (سال ۲۵۵) قرار نبوده است همه ولادت امام علیه السلام را بدانند چرا که ولادت ایشان باید پنهانی می بود (هم از دشمنان و هم از نزدیکانی مانند عموی امام مهدی علیه السلام به نام جعفر کذاب) تا جان ایشان حفظ شود. با وجود چنین شرایط سختی، به اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام برای شناساندن فرزندان به شیعیان و ادامه امامت با وجود ایشان که ادله و شواهد تاریخی ولادت ایشان نیز هست، پرداخته می شود.

روایات بسیاری در منابع مختلف وجود دارد که نشان می دهد منجی موعود، موجود است و در سال ۲۵۵ ق متولد گشته است. در این میان، نقل تاریخی این واقعه نیز از زبان حکیمه خاتون (عمه امام حسن عسکری علیه السلام) در منابع گوناگون ذکر شده که در اینجا آورده می شود:

ابو عبد الله مطهری از حکیمه نقل کرده که گفت: در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق امام ابو محمد عسکری به سراغ من فرستاد، و فرمود: عمه جان! افطار امشب را با ما باش که خداوند به زودی به وسیله ولی و حجتش بر خلق و جانشین من، تو را خوشحال و مسرور می فرماید... ابو محمد علیه السلام به من گفت: چون سپیده سر زده اثر زایمان آشکار شود زیرا مثل او همچون مادر موسی است که تا هنگام ولادت موسی کسی از حاملگی او آگاه نبود. زیرا فرعون در جست و جوی موسی شکم زنان آبستن را می شکافت و این نیز مانند موسی است... (سوسن از شدت درد و فشار) دستم را گرفت و ناله ای زد و شهادتین گفت، در همان حال در بستر، ولی خدا را دیدم که به سجده افتاده بود، شانه هایش را گرفتم و کنار خودم آوردم، دیدم کاملاً پاک و پاکیزه است. امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمودند: عمه جان! پسر مرا برایم بیاور، او را به محضر حضرت بردم، امام او را از من گرفت و زبان خود را بیرون آورده و به چشم های او مالید، چشمانش را باز کرد، بعد حضرت زبانش را به دهان و بعد به گوشش گذاشت، بعد در کف دست چپ خودش نشاند، و ولی خدا در دست آن حضرت نشست، حضرت دست مبارکش را به سر او کشیده و فرمودند: پسر! با قدرت خداوندی، سخن بگو. در همین وقت ولی خدا علیه السلام از شیطان رجیم به خداوند پناه برد و (گفت: اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) این گونه آغاز (سخن) کرد:

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین مَنّت بخشیده و آن ها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم. حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن ها آن چه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم. (قصص: ۵ - ۶) آن گاه بر پیامبر و امیر المؤمنین و سایر ائمه تا پدر بزرگوارش یکی پس از

دیگری صلوات فرستاد... بعد از سه روز شوق زیارت ولی خدا را داشتم، پس به طرف آن‌ها و به سراغ حجره‌ای که سوسن در آن بود رفتم، نه اثری دیدم و نه صدایی شنیدم (اثری از طفل نبود) با این حال سختم بود سؤالی بپرسم، بعد به محضر ابی محمد علیه السلام رسیدم، حیا کردم که ابتدا به سؤال کنم. خود حضرت شروع به صحبت کرده و فرمودند: عمه جان! او در کنف و حفظ و امان خداوند تبارک و تعالی است و در غیب خدا است تا زمانی که برای (ظهور) او اجازه داده شود، (عمه جان) زمانی که من از دنیا بروم و خداوند جسمم را غایب کند، دیدی که شیعیان من اختلاف می‌کنند، آن وقت به افراد مورد اعتماد آن‌ها خبر (ولی خدا) را برسان، ولی نزد خودت و آن‌ها مخفی نمایم، تحقیقا خداوند ولی‌اش را از دیده‌ها پنهان کرده و غایب خواهد نمود، تا زمانی که جبرئیل علیه السلام اسب او را پیش او بکشد، «برای آن است که خداوند کاری را که می‌بایست انجام شود تحقق بخشد» (انفال: ۴۲) (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۱۸-۴۲۲).

در مورد تاریخ دقیق تولد ایشان (که نیومن نیز اظهار می‌کند این تاریخ در منابع، یکسان ذکر نشده) نقل‌های مختلفی وجود دارد که البته با توجه به شرایط سخت آن زمان (که باید به گونه‌ای برخورد می‌شد که هم حکومت متوجه وجود فرزند برای امام عسکری علیه السلام نشود و هم شیعیان دچار انحراف در شناخت امام بعدی نشوند) قابل درک است و اگر غیر از این بود باعث تعجب می‌شد.

در مورد تاریخ تولد امام مهدی علیه السلام چهار قول وجود دارد:

قول اول؛ این قول که معروف‌ترین و مستندترین قول است و تاریخ تولد آن حضرت را نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ ه. ق می‌داند.

کلینی می‌نویسد:

امام مهدی علیه السلام در نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری متولد شده است. (کلینی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۴۴۹)

علامه مجلسی در بحارالانوار نیز همین تاریخ را ذکر می‌کند. (مجلسی، ۱۳۰۱: ج ۲، ۵۱)

از شهید اول علیه السلام نیز نقل شده است که:

امام مهدی علیه السلام در سامرا، جمعه شب، در پانزدهم شعبان ۲۵۵ ه. ق به دنیا آمد. (مجلسی، ۱۳۰۱: ج ۵۱، ۲۸)

ابن خلکان، یکی از علمای اهل سنت نیز همین تاریخ را تاریخ ولادت امام مهدی علیه السلام

می‌داند. (مجلسی، ۱۳۰۱: ج ۵۱، ۲۴)

قول دوم؛ در برخی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت مهدی علیه السلام سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است. کتاب *کمال الدین شیخ صدوق* (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، ۴۳۲) و *الغیة شیخ طوسی* (طوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۹ و ۱۴۷)، از جمله ی این منابع است.

قول سوم؛ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، تاریخ ولادت امام مهدی علیه السلام را سال ۲۵۷ ه. ق دانسته است. (طبری، ۱۳۶۷: ۲۷۱-۲۷۲)

قول چهارم؛ برخی، مانند علی بن عیسی اربلی (اربلی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۲۲۷) تاریخ ولادت امام مهدی علیه السلام را سال ۲۵۸ ه. ق ذکر کرده اند.

در این میان نکته جالب توجه این جاست که *کافی* (کتابی که مورد بررسی نیومن قرار گرفته) تاریخ ۲۵۵ ه. ق را ذکر می کند.

## ۲. دلایل متولد شدن امام مهدی علیه السلام

**تصریح پدر:** مانند حدیث امام حسن علیه السلام به نقل از ابو جعفر که در قسمت احادیث تولد امام مهدی علیه السلام به آن پرداخته شده است.

**گزارش قابله:** گزارش حکیمه خاتون (که قبلاً ذکر آن رفت). همچنین به جزوی، از زنان دیگری که هنگام وضع حمل، به نوعی کمک کرده اند نام برده شده؛ از جمله: نسیم و ماریه خادمه امام عسکری علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۰۴) و نیز کنیز ابو علی خیزرانی که او را به امام عسکری علیه السلام هدیه کرده بود. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۰۵)

**نشان دادن مهدی علیه السلام به خواص:** احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و از پیروان ویژه امام یازدهم علیه السلام است، خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شده و به زیارت امام دوازدهم علیه السلام نائل می شود. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۸۰، ب ۳۸، ح ۱)

روایت دیگر نیز درباره محمد بن عثمان (دومین نائب خاص امام مهدی علیه السلام) و چهل تن دیگر از بزرگان شیعه است که به دیدار آن حضرت رفته اند. (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ۵۱۴، ح ۲؛ ۳۲۹، ح ۴ و ۶: ۳۳۲، ح ۱۳ و ۱۴)

شیخ صدوق نیز به نقل ملاقات هایی که با امام انجام شده پرداخته است، و در مجموع ۴۱ حدیث را ذکر کرده که در شماری از آنها ماجرای مشاهده حضرت در دوره خردسالی بیان شده است. (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: باب ۴۳، ح ۱) بسیاری از محدثان دیگر، ماجرای دیده شدن امام مهدی علیه السلام را در دوران کودکی، با عبارت های مختلفی گزارش کرده اند؛ از جمله: مسعودی در کتاب *اثبات الوصیه* (مسعودی، ۱۳۴۳: ۲۷۵)، طبری در کتاب *دلائل الامامه* (طبری، ۱۳۶۷:

۲۷۴ و ۲۷۷) فتال نیشابوری در کتاب *روضه الواعظین* (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۲۵۷-۲۶۲) و قطب راوندی در کتاب *الخرائج والحرائج* (قطب راوندی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۹۵۷، ۹۶۰ و ۱۱۰۱) عقیقه‌های متعدد: برای مثال، محمد بن ابراهیم گوید: امام عسکری علیه السلام برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سربریده‌ای فرستاد و فرمود:

این از عقیقه فرزندم محمد است. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ج ۲، ۱۵۸، ح ۱۰)

نامه‌نگاری: مثل نامه امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۶۰، باب ۴۲، ح ۱۵)

پاسخ‌گویی به سؤالات: مانند شرفیاب شدن سعد بن عبدالله قمی از بزرگان شیعه همراه احمد بن اسحاق قمی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آنها به محضر امام مهدی علیه السلام. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۹۰، باب ۴۳، ح ۲۱) دریافت هدایای مادی: مانند هدایای ابن اسحاق. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ج ۲، ۱۹۰، باب ۴۳، ح ۲۱)

معجزات امام: مانند نجات زندگی ابراهیم بن احمد نیشابوری از دست عمرو بن عوف توسط امام مهدی علیه السلام. (حرعاملی، ۱۳۶۶: ج ۳، فصل ۷، ۷۰۰)

نماز بر پیکر پدر: آخرین فراز از زندگی امام مهدی علیه السلام از ابوالادیان، خدمتکار امام یازدهم علیه السلام نقل شده است. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ج ۲، ۲۲۳، باب ۴۳، ح ۲)

علاوه بر این‌ها، برخورد حکومت و دولت که با فرستادن نیروهای متعدد به خانه امام عسکری علیه السلام قصد جست‌وجو و یافتن کنیزان باردار برای کشتن فرزند آنها را داشته‌اند، نشان دهنده وجود اخباری در این زمینه بوده است.

### ۳. علمای اهل سنت و تولد امام مهدی علیه السلام

برخی از علمای اهل سنت (نام ۱۲۸ عالم در کتاب *دفاع عن الکافی* آمده است) تصریح به تولد امام مهدی علیه السلام و مهدی آخرالزمان بودن ایشان کرده‌اند. به تعدادی از این عالمان و سخنان ایشان اشاره می‌گردد.

محمد بن طلحه شافعی نوشته است:

ابوالقاسم محمد بن الحسن علیه السلام در سال ۲۵۸ ق در سامره متولد شد. نام پدرش حسن خالص است. حجت، خلف صالح و منتظر از القاب اوست.



پس از آن چندین حدیث درباره مهدی نقل کرده و می‌گوید:

مصدق این احادیث، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام که اکنون غایب و بعداً ظاهر می‌گردد.

محمد بن یوسف بعد از ذکر وفات امام عسکری علیه السلام می‌نویسد:

فرزندی جز محمد نداشت و گفته شده که او همان امام منتظر است.

ابن صباغ مالکی نوشته است:

فصل دوازدهم در احوال ابی القاسم، محمد، حجت، خلف صالح، فرزند ابی محمد، حسن خالص است و آن جناب، امام دوازدهم شیعیان است. سپس تاریخ آن حضرت را نوشته و اخباری راجع به حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است. (ابن صباغ، ۱۴۲۲، ج ۱، ۲۷۳ و ۲۸۶)

یوسف بن قزاوغلی بعد از بیان احوال امام حسن عسکری علیه السلام نوشته:

نام فرزندش محمد و کنیه اش ابوعبدالله و ابوالقاسم است. اوست حجت و صاحب الزمان و قائم و منتظر و امامت به وی ختم شده است.

شبلنجی نوشته است:

محمد، فرزند حسن عسکری علیه السلام است. مادرش امّ ولدیه بوده به نام نرجس، صیقل یا سوسن. کنیه اش ابوالقاسم است. (امینی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۲۱)<sup>۱</sup>

بنابر آن چه که مورخان شیعه و سنی در خصوص تاریخ و چگونگی ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته اند، اصل ولادت امام مهدی علیه السلام و به دنیا آمدنش، جزء امور مسلم و قطعی تاریخ است. برای نمونه مسعودی (از مورخان اهل سنت) می‌گوید:

در سال ۲۶۰ ابومحمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام، در زمان خلافت معتمد عباسی درگذشت. او به هنگام درگذشت، ۲۹ سال داشت و او پدر مهدی منتظر است. (مسعودی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۱۹۹)

و شیخ سلمان قندوزی می‌نویسد:

خبر معلوم و مسلم، در نزد موثقان، این است که ولادت قائم علیه السلام، در شب نیمه شعبان

۱. و... (برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کشف الأستار تألیف حسین بن محمد تقی نوری و کفایة الموحّدين تألیف طبرسی).

سال ۲۵۵ هجری قمری، در شهر سامرا واقع شده است. (قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۱۴)

#### ۴. کسانی که امام مهدی علیه السلام را دیده‌اند

از آنجایی که خلفای بنی عباس دانسته بودند که دوازدهمین امام شیعیان همان مهدی موعود است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می‌کوبد و نیز می‌دانستند که از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است؛ در صدد برآمدن این نور را خاموش کنند. از این رو امام مهدی علیه السلام از نخستین روز ولادت، همواره در نهان می‌زیست و مردم به طور عموم او را نمی‌دیدند. ولی با این وجود، عده‌ای از اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) بودند که توفیق شرفیابی و معرفی را یافته بودند. بعضی از آنها عبارتند از:

حکیمه خاتون، دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری علیه السلام که شرح آن از کتاب غیبت طوسی نقل شد.<sup>۱</sup>

#### ۵. ملاقات‌کنندگان با امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری

آنچه در قسمت پیشین مطرح شد، احادیث گویای دیده شدن آن حضرت در زمان خردسالی است، افزون بر این‌ها روایت‌های زیادی در کتاب‌های حدیثی شیعه نقل شده که ماجرای ملاقات افراد متعددی را با آن حضرت در دوره غیبت صغری (۲۶۰ ق تا ۳۲۹ ق) گزارش کرده‌اند. این دیدارها، گاه مربوط به نایبان خاص آن حضرت و گاه، مربوط به وکلای مالی ایشان بوده و برخی اوقات دیگر، شیعیان چنین توفیقی را پیدا می‌کردند:

عبد الله بن جعفر حمیری از محمد بن عثمان (دومین نائب خاص امام) سؤال کرد که آیا صاحب الامر را دیده‌اید؟ وی پاسخ داد: بلی و آخرین مرتبه در بیت الله الحرام... (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۵۲۰، ح ۳۱۱۵)

و نیز از وی نقل شده که می‌گوید:

حضرت را دیدم در حالی که به پرده کعبه چنگ زده بود و می‌گفت: "اللهم انتقم لی من اعدائك" (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۵۲۰، ح ۳۱۱۵)

برخی از افرادی که در دوره غیبت صغری آن حضرت را دیدار کرده‌اند عبارتند از: ابراهیم بن

۱. همچنین رجوع کنید به: یزدی حائری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۴۰؛ ابوبصیر خادم (ارلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۹۹)؛ سعد بن عبدالله (یزدی حائری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۴۲)؛ چهل تن از شیعیان (یزدی حائری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۴۱)؛ ابوسهل نوبختی (یزدی حائری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۵۱).

ادریس (کلینی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۳۱ ح ۸؛ مفید، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۳) - ابراهیم بن محمد تبریزی (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۹، ح ۲۲۶) - احمد بن اسحاق بن سعد اشعری (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، ۳۸۴، باب ۴۳، ح ۱) - ابراهیم بن عبده نیشابوری (کلینی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۳۱، ح ۶ و مفید، ؟، ج ۲، ص ۲۵۳) - احمد بن الحسین بن عبد الملك ابو جعفر ازدی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۸) - علان کلینی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۳) - ابو الهیثم دیناری (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۳) - ابو جعفر الأحول همدانی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۳) - محمد بن القاسم العلوی عقیقی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۳ و طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۹، ح ۲۲۷) - ابو الأدیان (صدوق، ۱۳۳۸، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۴) - ابو العباس محمد بن جعفر الحمیری قمی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، ۴۷۶، ح ۲۶) - ابن نعیم محمد بن احمد انصاری (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۵۹، ح ۲۲۷) - ابو جعفر اودی (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۳، ح ۲۲۳) - محمد بن عثمان (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۵۱، ح ۲۲۱) - الحسن بن وجناء نصیبی (صدوق، ۱۳۳۸: ج ۲، ۴۴۳، ح ۱۷) - حاجز (صدوق، ۱۳۳۸: ۴۴۲، ح ۱۶)

#### ۶. احادیث راجع به تولد امام مهدی علیه السلام

از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَمِنَ اللَّيَالِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاخْتَارَنِي مِنَ الرِّسْلِ، وَاخْتَارَ مِنِّي عَلِيًّا، وَاخْتَارَ مِنْ عَلِيٍّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَاخْتَارَ مِنَ الْحُسَيْنِ الْأَوْصِيَاءَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ...

خداوند از میان روزها، روز جمعه را برگزید و از شبها، شب قدر و از ماهها، ماه رمضان را انتخاب کرد و مرا از میان رسولان برگزید و علی را از من، و حسن و حسین را از علی برگزید و اوصیای بعدی را، از حسین انتخاب کرده که نهمین آنان قائم است... (مسعودی، ۱۳۴۳: ۲۶۶؛ طبری، ۱۳۶۷: ۲۴۰)

بیشتر احادیث راجع به تولد امام مهدی علیه السلام را آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب خود *منتخب الأثر گردآوری کرده است*. (صافی گلپایگانی، ۱۳۳۳: ۱۶۴-۲۲۱)

از قول امام ابی محمد عسکری علیه السلام روایت شده که ایشان وقت تولد صاحب الزمان علیه السلام فرمودند:

ستمگران برای قطع کردن این نسل مبارک خیال کردند که مرا به قتل می‌رسانند، پس قدرت خدا را چگونه دیدند؟ بعد نام فرزند را مؤمل، یعنی آرزو شده گذاردند. (شیخ طوسی،

(۴۱۴:۱۳۸۶)

ابوهاشم جعفری می‌گوید:

از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد کجا سراغ او را بگیرم؟ فرمود: در مدینه. (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۲۸)

### دیدگاه هالم و نیومن پیرامون غیبت امام

نظریه غیبت نظریه ایست که برای قبول آن ابتدا باید مفاهیمی را که پشتوانه عقیدتی آن محسوب می‌شوند دانست و به درک صحت آن‌ها نایل آمد تا بتوان به حقیقت این امر واقف شد و پس از روشن شدن ذهن و پذیرفتن دلایل عقلی و نقلی آن، دیگر بعید بودن چنین عقیده ای بعید است و هر انسان متفکری می‌پذیرد که چنین امری قابل تحقق است. اما دو مستشرق مورد مطالعه و به طور کلی صاحبان قلم و نظر (عرب یا غربی یا ایرانی) که از این مسائل دور هستند، با توجه به این که با این پشتوانه‌های عقیدتی نامأنوس هستند؛ نمی‌توان از ایشان انتظار تحلیل درست در مورد اندیشه غیبت را داشت. خصوصاً که آن‌ها نیز خود را بی‌نیاز از تحلیل منابع تخصصی شیعی دانسته‌اند و تحقیق بیشتر در این مورد را نیاز ندانسته‌اند. البته شاید اگر این منابع که پذیرش عقیده به غیبت را آسان‌تر می‌نماید به زبان ایشان هم یافت می‌شد، شاید آن‌ها را ترغیب به تحقیق در این منابع نیز می‌نمود. کم‌کاری عالمان شیعی و مترجمان در این زمینه به شدت حس می‌شود که البته به توفیق الهی شاهد کمتر شدن این نقص به مرور زمان هستیم.

با مقدمه بالا به ذکر آن‌چه این دو مستشرق درباره غیبت امام مهدی علیه السلام بدان رسیده‌اند پرداخته و پس از آن، مطالب ایشان مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

هالم نیز رسمیت یافتن اعتقاد به امامت اثنی عشری و پدیده غیبت و سفارت را به قرن چهارم نسبت می‌دهد. (هالم، ۱۳۸۹: ۹۱)

نیومن می‌نویسد:

هنگام وفات امام حسن عسکری علیه السلام، عثمان در ملأ عام اعلام کرد که امام یازدهم علیه السلام پسری دارد که جانشین اوست اما از بیم این که مبادا حکومت وی را ترور کند، غایب شده است. (نیومن، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

نیومن درباره وجود دو غیبت کوتاه و طولانی، اشاره به ابهاماتی در این مورد می‌کند

و می نویسد:

ابهاماتی درباره ماهیت و مدت (دو) غیبت به چشم می خورند. در برخی از ۳۱ روایت موجود در بابی راجع به غیبت، ائمه فرموده اند: قائم (آل محمد علیهم السلام) فقط یک غیبت دارد؛ در حالی که در روایات دیگری، برخی از همان راویان، احادیثی روایت کرده اند که به دو غیبت اشاره دارد. (نیومن، ۱۳۸۶: ۳۱۷)

در مورد نظر نیومن مبنی بر اعلام امامت پسر امام یازدهم علیه السلام در ملأ عام توسط عثمان؛ احادیث و روایات تاریخی بی شمار موجود (که تعدادی از آن در این پژوهش نیز آورده شد) کاملاً این نظر را رد کرده و معتقد است شرایط زمانی به گونه ای بوده که فقط شیعیان خالص از وجود آن حضرت مطلع گشته و اصلاً یکی از دلایلی که منجر به تولد پنهانی و غیبت امام دوازدهم علیه السلام شد، همین خطر جانی از سمت حکومت بود. با این که معلوم است این دو محقق نیز واقف به این دلیل شیعیان برای غیبت هستند، واضح نیست که چرا در اینجا از اعلام امامت در ملأ عام سخن رانده شده است.

## نقد دیدگاه هالم و نیومن پیرامون غیبت امام

### ۱. احادیث راجع به غیبت امام مهدی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من، طبق عهدی که به او می رسد، غایب می شود به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خدا به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم احتیاجی ندارد و دیگران نیز در اصل تولدش شک می کنند. پس هرکس زمان غیبت را درک کرد، باید دینش را نگهداری کند و شیطان را از طریق شک به خود راه ندهد. مبادا که او را از ملت من بلغزند و از دین خارج سازد، چنان که قبلاً پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. خدا شیطان را دوست و فرمانروای کفار قرار داده است. (حر عاملی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۸۶)

عبدالرحمن بن عباس می گوید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نهم از اوصیای من، قائم اهل بیت من و مهدی امت من است و شبیه ترین مردم به من از نظر شمائل، اقوال و افعال است و بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گراه کننده ظاهر شده، امر الهی را اعلان و آشکار کرده، دین الهی را ظاهر نموده، با نصرت خدا و ملائکه اش تأیید می شود و زمین را پس از آن که پیرا ظلم و جور شده، مملو از عدل و داد خواهد نمود. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۱، ۳۷۰-۳۷۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۶: ۹۵)

جابر بن عبدالله انصاری گوید، رسول خدا ﷺ فرمود:

فرزندم مهدی نامش نام من است و کنیه اش کنیه من، اشبه ناس است به من در خلقت و اخلاق. یک غیبتی دارد، یک سرگردانی درباره اش پیش آید که امتها در آن گمراه شوند سپس چون شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پراز عدل و داد کند چنانچه پراز جور و ظلم شده. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۳، باب ۲۶)

امام پنجم علیا فرمود، رسول خدا ﷺ فرمود:

خوشا به کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و در غیبت او پیش از ظهور به امامت او معتقد باشد، با دوستانش دوست باشد و با دشمنانش دشمن. او در روز قیامت از رفقای منف طرف دوستی من و اکرم امت من است. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۳، باب ۲۶)

امام ششم علیا فرمود، رسول خدا ﷺ فرمود:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و پیش از ظهورش پیرو او بوده و به امامت او و ائمه هدایت پیش از او معتقد بوده و از دشمنان شان بیزار بوده؛ آنان رفیقان من و گرامی ترین امت منند. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۳، باب ۲۶)

امام ششم علیا از پدراناش روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

فرزندم مهدی نامش نام من است و کنیه اش کنیه من. در خلقت و اخلاق اشبه ناس مردم است به من. یک غیبت و حیرتی دارد که خلق از دین خود گمراه شوند و این وقت است که چون شهاب ثاقب باز آید و زمین را پراز عدل و داد کند چنانچه پراز ظلم و جور شده. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۴، باب ۲۶)

امام علی علیا فرمود که رسول خدا ﷺ فرمود:

فرزندم مهدی یک غیبت و حیرتی دارد که گمراه شوند در آن امتها با ذخیره پیغمبران آید و زمین را پراز عدل و داد کند چنانچه پراز جور و ظلم شده است. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۳، باب ۲۶)

سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

کسانی که در دوران غیبتش بر عقیده امامتش بپایند، از کبریت احمر کمیاب ترند. جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد یا رسول الله ﷺ برای فرزند قائم غیبت است؟ فرمود: آری، به پروردگارم تا آنان که گرویدند امتحان شوند و کافرین محو گردند. ای جابر! این یکی از کارهای مهم خداست و یکی از اسرار او است که از بندگان خود پنهان داشته، مبادا در آن شک کنی که شک در کار خدای عزوجل کفر است. (ابن بابویه،

امام علی علیه السلام در حدیثی طولانی وصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله یاد کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

ای علی! بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین مردمی باشند در آخرالزمان که پیغمبر صلی الله علیه و آله خود را ندیدند و از امام خود محجوبند و همان به نوشته که خط سیاهی است بر صفحه سفید ایمان آورده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۴۰۵، باب ۲۶)

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه کریمه قرآن که می‌فرماید: (به کافران) بگو اگر آب (که مایه حیات است) به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آورد؟ (ملک: ۳۰)، نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

این آیه پیرامون امامت نازل شده است، بعد فرمودند: هر وقت امام شما غایب شود و ندانید که در کجاست، پس چه کسی برای شما امامی می‌آورد که ظاهر بوده و اخبار آسمان و زمین و همچنین حلال و حرام خداوند را برایتان بیان کند؟ سپس فرمودند: بدان، به خدا قسم هنوز تأویل این آیه نیامده و حتماً تأویل آن (که مصداق عینی آن غیبت امام زمان علیه السلام است) خواهد آمد. این حدیث از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز صادر شده است. (طوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۷)

عبید بن زراره گفته است، از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

مردم امام‌شان را گم می‌کنند، پس ایشان در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند ولی آن‌ها امام را نمی‌بینند. (طوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۹، ح ۱۲)

نعمانی که در زمانی غیبت صغری متولد شده، در کتاب غیبت که هنگام تألیف آن هشتاد و چند سال از عمر امام شریف امام زمان علیه السلام می‌گذشته، نوشته است:

ائمه اطهار علیهم السلام، وقوع غیبت امام زمان علیه السلام را قبلاً خبر داده بودند؛ اگر غیبت ایشان اتفاق نمی‌افتاد، خود این موضوع، برای بطلان عقیده امامیه شاهی می‌شد. اما خدای متعال با غایب نمودن آن حضرت، صحت اخبار ائمه علیهم السلام را آشکار ساخت. (امینی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

## ۲. احادیث راجع به وجود دو غیبت کوتاه و طولانی

همان‌طور که در نقل مطالب هالم و نیومن درباره غیبت آورده شد؛ نیومن درباره وجود دو غیبت اظهار تردید می‌کند که در اینجا تعدادی از احادیثی که در این مورد از معصومین علیهم السلام صادر شده، آورده شده است:

ابوبصیر گفت: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: حضرت ابوجعفر می‌فرمود: قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت دارد: یکی طولانی و دیگری کوتاه. امام صادق علیه السلام فرمود: آری یکی از آن دو غیبت از دیگری طولانی‌تر می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ۴۱۶)

اسحاق بن عمار گفته است: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: قائم را دو غیبت خواهد بود: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در غیبت اول شیعیان خاص جایش را می‌دانند ولی در دومی جز خواص دوستان دینی کسی از جایش اطلاع ندارد. (حر عاملی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۱۵۵، ۵۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۴۰، ۱؛ ح ۱۹)

مفضل بن عمر گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: برای صاحب این امر دو غیبت است: یکی آن قدر طولانی خواهد شد تا این که بعضی می‌گویند: امام مرده است و عده ای می‌گویند کشته شده است و برخی می‌گویند آمده و رفته است تا آنجا که از اصحاب و یارانش عده بسیار کمی می‌مانند و هیچ کسی از اولاد حضرت و دیگران از مکان ایشان مطلع نخواهد بود به جز غلامی که کارهای ایشان را انجام می‌دهد. (طوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۹؛ مجلسی، ۱۳۰۱، ج ۵۲، ۱۵۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۴۰، ۱؛ ح ۲۰)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شمردن ائمه علیهم السلام فرمود:

سپس امامشان از نظرشان غایب می‌شود تا وقتی که خدا بخواهد او را در غیبت خواهد برد که یکی از دیگری طولانی‌تر است. (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۵۲، ۳۸۰)

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که به حازم بن حبیب فرمود:

ای حازم! برای صاحب این امر دو غیبت است که در دومین آن ظاهر می‌شود، اگر کسی نزد تو آمد و گفت: دست خود را از خاک قبرش تکانیده، او را تصدیق مکن. (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۵۲، ۱۵۴)

ابو حمزه ثمالی (م. ۱۴۸)، از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در تفسیر خود، در ذیل آیه شریفه: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» (زخرف: ۲۸) از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

... برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است. (خزاز رازی، ۱۳۶۰: ۱۵۰)

حسن بن محبوب در کتاب گرانسنگ مشیخه خود، از ابو بصیر روایت کرده که گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمود: برای قائم آل محمد صلی الله علیه و آله دو غیبت است، یکی طولانی و دیگری کوتاه. فرمود: آری ای ابو بصیر، یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲، ب ۱۰، ۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲: ۲)



کتاب مشیخه اگرچه به دست ما نرسیده، ولی این حدیث را سعد بن عبد الله اشعری در کتاب بصائر الدرجات از کتاب مشیخه نقل کرده است. اهمیت توجه به این حدیث در آن است که حدیث یاد شده را حسن بن محبوب بیش از یکصد سال پیش از آغاز غیبت کبری در مشیخه و اشعری سی سال پیش از غیبت کبری در بصائر الدرجات نقل کرده است. آمدن این حدیث در بصائر الدرجات، خط بطلان است بر ادعای دکتر نیومن که مدعی است پس از بررسی بصائر الدرجات، حدیثی در این باره (وجود دو غیبت) نیافته است.

شیخ مفید در این رابطه می‌گوید:

روایات فراوان از پیشوایان پیشین از آل محمد علیهم‌السلام رسیده است که حضرت قائم منتظر علیه‌السلام را دو غیبت است، که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است. در غیبت کوتاه خواص شیعیان از اخبار او مطلع هستند، ولی در غیبت طولانی محل استقرار از عموم پوشیده است، به جز نزدیکانش که متصدی خدمت او می‌باشند. پیش از ولادت امام حسن عسکری علیه‌السلام و پدران بزرگوارش، اخبار فراوان در این رابطه رسیده است. هنگامی که وکلا و سفیران یاد شده درگذشتند، نویدهای مربوط به غیبت کبری تحقق پیدا کرد. و این یکی از دلایل روشن بر حقانیت شیعه و اعتقادات راسخ آنان می‌باشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸؛ مفید، ۱۳۷۲: ج ۳، ۸۲)

محمد بن یعقوب کلینی، برجسته‌ترین، استوارترین و مورد اعتمادترین محدث در عصر غیبت صغری بود و پیش از آغاز غیبت کبری، به سال ۳۲۹ ه. ق دیده از جهان فرو بسته است. از این رهگذر آمدن این احادیث در کتاب شریف کافی با این صراحت و شفافیت، هرگونه تردید را از همگان می‌زداید و جای ابهامی برای احدی باقی نمی‌گذارد و روشن می‌نماید که در کتاب کافی کلینی نیز احادیثی در باب دو غیبت کوتاه و بلند وجود دارد. بدین طریق سخن نیومن مبنی بر عدم وجود دو غیبت (بر اساس دو کتاب بصائر الدرجات صفار قمی و کافی کلینی) و ایجاد آن توسط علمای اصولی به منظور راه حلی برای عدم ظهور امام غایب و بدون امام باقی ماندن تشیع، رد می‌گردد.

#### دیدگاه نیومن راجع به تعداد ائمه اطهار علیهم‌السلام

نیومن با اشاره به کتاب بصائر الدرجات، در مورد تعداد ۱۲ عدد بودن ائمه علیهم‌السلام اظهار تردید می‌کند و در این رابطه از سخن امیر معزی در این باره بهره می‌جوید. او در کتاب دوره شکل‌گیری

تشیع دوازده امامی این گونه در این باره اظهار تردید می‌کند:

نقص آشکار بصائر در بیان ماهیت و مدت غیبت ائمه علیهم‌السلام - صرف نظر از بیش از ۵ مورد، ذکر عدد ۱۲ به عنوان حد نهایی تعداد ائمه - بیش از آن چه را صفار در نظر داشت، از او می‌طلبد.

وی در قسمت پانوش، این مطلب را اضافه می‌نماید که:

امیر معزی این واقعیت را که صفار فقط ۵ روایت در خصوص عدد ۱۲ به عنوان حد نهایی تعداد ائمه علیهم‌السلام در باب‌هایی آورده که عناوین آن‌ها با این جزئیات ارتباطی ندارد، مضطرب دانسته، می‌افزاید: این واقعیت که او از ۱۸۸۱ حدیث تشکیل دهنده بصائر، فقط ۵ روایت درباره این موضوع نقل کرده، تقریباً در حکم یک سکوت مطلق است.

وی همچنین با نقل از برای امامیه اثر کلبی<sup>۱</sup> می‌افزاید:

به نظر می‌رسد صفار هیچ روایتی درباره نظریه غیبت نقل نکرده است. (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۵۰)

#### نقد دیدگاه نیومن راجع به تعداد ائمه اظهار علیهم‌السلام

این مطلب از آنجا مهم است که با رد این که ائمه علیهم‌السلام ۱۲ نفر هستند، نمی‌توان انتظار داشت به مراحل بعدی امامت ایشان یعنی متولد شدن در سال ۲۵۵ ق و غیبت ایشان تا کنون پی برد و انکار نکرد. بدین منظور به احادیثی متواتر در این باره از کتب حدیثی تخصصی مهدویت (که انتظار است از همه موضوعات مربوط به امام دوازدهم علیه‌السلام احادیث فراوان آورده باشد) نه کتاب‌هایی مانند بصائر که اقتضای مطالب متنوع آن مانع از آوردن احادیث زیاد در موضوعات تخصصی شیعه است، اشاره می‌گردد.

#### ۱. روایات اهل سنت در این که ائمه علیهم‌السلام دوازده نفرند

جابر بن سمره می‌گوید، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند:

بعد از من دوازده خلیفه خواهد بود که همگی از قریش هستند. (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۷۹)

جابر بن سمره گفته است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

همواره این دین غالب و پیروز است و کسی که قصد سوئی نسبت به آن داشته باشد نتواند که ضرری برساند تا دوازده خلیفه. (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۰)

1. From Imamiyya

شیخ طوسی رحمته الله علیه حدود ۱۰ حدیث دیگر را در این باب از اهل سنت در کتاب خود می آورد.

## ۲. روایات شیعه در این که ائمه علیهم السلام دوازده نفرند

امام باقر علیه السلام فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی جان! من، تو و یازده نفر از اولاد تو رز زمین هستیم؛ یعنی میخ ها و کوه های زمین هستیم. خداوند تبارک و تعالی به وسیله ما زمین را از این که اهلش را از بین ببرد محکم کرده است و وقتی که دوازده امام از اولاد من رفتند، زمین اهلش را فرو خواهد برد و به اهل زمین مهلت داده نمی شود. (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۸)

امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمود:

در هر سالی شب قدر وجود دارد، در آن شب برنامه و دستور کار یک ساله و آن چه طی آن سال باید انجام شود از آسمان نازل می شود و برای آن کار والیانی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معین شده است. ابن عباس عرض کرد: ای امیر مؤمنان آنان چه کسانی اند؟ فرمود: من و یازده تن از نسل من، امامانی که فرشتگان با آنان حدیث می کنند. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۹۴-۹۵؛ طوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۹-۲۹۰)

ابوحمره از امام باقر علیه السلام روایت می کند که ایشان فرمودند:

خداوند متعال، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به سوی همه ی جن و انس (برای هدایت) فرستاد و بعد از ایشان دوازده وصی قرار داد، بعضی از ایشان قبل از ما بودند و بعضی دیگر هنوز نیامده اند و به هر وصیی سنتی جریان می یابد و سنت اوصیایی که پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، همانند سنت اوصیای عیسی علیه السلام تا محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که دوازده نفر بودند و امیرالمؤمنین علیه السلام بر سنت مسیح است. (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۸۹)

## دیدگاه هالم و نیومن پیرامون سازمان وکالت

نیومن سازمان وکالت را نهادی از سوی عقل گرایان برای تداوم مذهب تشیع می داند و ایجاد آن را به خاندان بنی نوبخت نسبت می دهد و می نویسد:

اگر از بعد عملی اقدامات عقل گرایان در توجه مستقیم به مسئله تداوم مذهب شیعه پس از غیبت امام دوازدهم علیه السلام سخن به میان آوریم، بنی نوبخت نیز در نیم قرن اول پس از غیبت امام دوازدهم علیه السلام، به جد تلاش می کردند که در بغداد، نفوذ خود را بر جامعه دوازده امامی تثبیت کنند. اولین شخص از کسانی که بر چنین نفوذی اصرار داشتند، عثمان بن سعید عمری بود که با امام نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام رابطه ای نزدیک داشت... (نیومن، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

او در ادامه اقتدار شیعه را بر اساس عملکرد این سازمان و افراد فعال در سازمان که دارای منصب حکومتی بودند می‌داند و می‌نویسد:

معقول ساختن اقتدار بر عقیده و عمل جماعت شیعه از طریق بنا نهادن یک ساختار سلسله مراتبی سازمانی بود. خاندان نوبختی و حامیان از طریق چنین اقداماتی در پی حفظ آینده جامعه شیعه بودند. به همان میزان که استمرار چنین گفتگویی - چه رسد به موفقیت چنین اقداماتی - بر محدود شخصیت‌های مهم و تداوم اهمیت این افراد در دربار متکی بود، تداوم حیات خود جامعه شیعه در چند دهه نخست این قرن بس مشکل به نظر می‌رسد. (نیومن، ۱۳۸۶: ۱۴۱)

نیومن پس از ذکر وقایع پایانی سازمان وکالت و نائب چهارم، این تلاش عقل‌گرایان به ویژه خاندان نوبختی را شکست خورده دانسته و از نظر او این دلیلی شد برای مطرح کردن غیبت کبری یا طولانی. این مطلب در بیان وی چنین نگاشته شده است:

اظهارات ابن روح نوبختی و انجمن بغدادی او دایر بر نمایندگی امام دوازدهم علیه السلام در دوران غیبت، ظاهراً در سطح عمومی به رسمیت شناخته نشد و نتوانست عملی شود و اندکی پس از درگذشت چهارمین سفیر، علی بن محمد سامری، مفهوم منصب سفارت کنار گذاشته شد. این نشانه پایان نخستین کوشش برای رسمیت بخشیدن به نمایندگی منظم امام غایب و تعیین یک رهبر برای شیعیان بود. (نیومن، ۱۳۸۶: ۷۸)

او فوت نائب چهارم را این‌گونه می‌نویسد:

علی بن محمد سمری آن قدر زود فوت کرد که نتوانست در جامعه شیعه و در منصبش نقشی ایفا کند. منابع متأخر نقل کرده‌اند که امام دوازدهم علیه السلام که همراه با دادن نوشته‌ای به سمری که در آن فوت قریب الوقوع او را پیش بینی کرده بود، به او فرمان داد که جانشینی برای خود تعیین نکند... (نیومن، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

### نقد دیدگاه هالم و نیومن پیرامون سازمان وکالت

مشخص نیست منظور از منابع متأخر کدام منابع است؟! اگر کتب حاوی این مطلب شامل **کمال الدین** شیخ صدوق، **غیبت** شیخ طوسی و ابن ابی زینب از نظر نیومن منابع متأخر محسوب شوند، پس از نظر ایشان منابع دست اول کدام منابع است؟!

با توجه به مطالب یاد شده به قلم نیومن، دو موضوع کلی باید به طور مفصل بررسی شود: نیومن این سازمان را به خاندان نوبختی نسبت می‌دهد؛ پس باید ریشه تاریخی تشکیل این سازمان بررسی شود. علاوه بر آن مطلب دیگر که بر اساس مطالب نیومن باید مورد بررسی قرار

گیرد، ساز و کار سازمان وکالت و چگونگی انتخاب این نائبان و عملکرد ایشان است. با توجه به این که نیومن این سازمان را وابسته به افراد شاغل در دربار می‌داند، باید دانست عملکرد این سازمان چگونه بوده است.

## ۱. علل تشکیل سازمان وکالت

یکی از مسائل ریشه‌ای در این بحث، بررسی این نکته است که چرا ائمه علیهم‌السلام به تشکیل و استمرار فعالیت چنین نهادی اقبال نمودند و چه عوامل و زمینه‌هایی در میان بود که موجب می‌شد ائمه هدی علیهم‌السلام به طور جدی نسبت به این نهاد و اعضای آن و حفظ و توسعه آن همت بگذارند. این عوامل را می‌توان تحت عناوین زیر ذکر نمود:

لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان؛ در هر نظام دینی، سیاسی و اجتماعی ارتباط بین رهبری و اعضای آن نظام اجتناب ناپذیر است. بنابراین می‌بایست کسانی از سوی امامان شیعه علیهم‌السلام تعیین می‌شدند که به عنوان وکلای آنان نقش ارتباطی بین شیعه و آنها را ایفا می‌کردند.

جو خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام؛ وجود چنین جوی می‌تواند علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن باشد.

آماده‌سازی شیعه برای عصر غیبت؛ با توجه به همین حقیقت بود که هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می‌شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدود تر می‌گشت و نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد تا حدی که در عصر دو امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام غالب امور شیعه با این دو امام بزرگوار از راه مکاتبه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می‌گرفت.

رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت؛ در این عصر، وکلا و سفرای خاص و عام امام به عنوان تنها مرجع برای شیعه، در مشکلات سیاسی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و دینی بودند. همین طور در عصر امامانی مثل امام کاظم علیه‌السلام یا دو امام عسکری علیهم‌السلام که شیعه دسترسی به امام نداشت، وکلا مرجع مطمئنی برای شیعیان بودند. (پور سید آقایی و همکاران،

۱۳۸۱: ۱۳۹-۱۴۰)

## ۲. تاریخ پیدایش سازمان وکالت

تشکیل این نهاد مربوط به عصر امام صادق علیه‌السلام است. در این عصر، آن حضرت تعدادی وکیل و نماینده به شهرهای شیعه نشین دور و نزدیک ارسال نمودند تا نقش ارتباطی بین امام و شیعیان را ایفا کنند و وظایف محوله را انجام دهند. در عصر امام کاظم علیه‌السلام این نهاد شکلی

وسیع تر و منسجم تر یافت و در اواخر عصر امام رضا علیه السلام و سپس در عصر امام جواد علیه السلام سامان مند شد و فعالیت وسیعی را آغاز کرد. در عصر غیبت مواجه با اوج فعالیت این نهاد می شویم؛ چرا که در این عصر تنها وسیله ارتباطی شیعه با امام این نهاد بود. بدین ترتیب، نهاد وکالت با این سیر حرکتی، فعالیت خود را آغاز کرد و تا پایان عصر غیبت صغری ادامه حیات داد. (پور سید آقایی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۳۸) در عصر غیبت صغری یکی از حساس ترین و مهم ترین دوران فعالیت این نهاد پیش آمد، چرا که با غیبت امام معصوم تنها ملجأ و مرجع شیعیان، وکلا و نواب آن حضرت بودند. (پور سید آقایی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

چنان که می بینیم، بنا بر منابع تاریخی، این سازمان از زمان امام صادق علیه السلام آغاز به کار کرده است و در نتیجه این نهاد به ابتکار نوبختیان نبوده که به تصمیم ایشان پایان پذیرد. رهبری اصلی این سازمان و تصمیم برای آغاز یا اتمام کار آن تنها به تصمیم شخص امام معصوم علیه السلام بوده است.

### ۳. وظایف سازمان وکالت

نقش مالی؛ می توان این نقش را در چهار زمینه تصویر نمود: اخذ و تحویل وجوه شرعی و هدایا، رسیدگی به امور موقوفات، استرداد اموال سازمان از غاصبان، توزیع و مصرف اموال نقش ارتباطی؛ پس از نقش مالی، یکی از مهم ترین نقش ها و وظایف تشکیلات وکالت، ایجاد ارتباط بین امامان معصوم علیهم السلام و شیعیان آنان بود.

نقش علمی و ارشادی؛ یکی از مهم ترین اهداف تشکیل سازمان وکالت، تعلیم معارف اهل بیت علیهم السلام به شیعیان و ارشاد آنان به حق، در عصر حیرت و بروز تردیدها و شبهات بوده است.

نقش سیاسی؛ این تشکیلات، گرچه به ظاهر نهادی مالی و ارتباطی بوده است، ولی در همین قالب، بهترین خدمات سیاسی و مبارزاتی بر ضد حاکمیت عباسی را انجام داده است. از روزهای اول تشکیل سازمان وکالت، هجمه سرمداران حکومت عباسی به آن آغاز شد و همین امر اقتضا می کرد که وکلای امام صادق علیه السلام در اوج پنهان کاری به فعالیت بپردازند.

نقش حفاظتی برای امامان علیهم السلام، شیعیان و سازمان وکالت؛ یکی از اهداف تشکیل سازمان وکالت که مراجعات مستقیم شیعیان نزد ائمه علیهم السلام به حداقل ممکن کاهش یابد تا ضریب امنیتی بیشتری هم برای شیعیان و هم برای ائمه علیهم السلام حاصل شود.

نقش تمهیدی برای ورود شیعه به عصر غیبت؛ دیگر مسئولیت این سازمان، به خصوص در

عصر امامین عسکریین علیه السلام، آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت بود. از جمله شیوه هایی که امامین عسکریین علیه السلام بدین منظور به کار می بردند، غیبت نسبی از شیعیان و احاله آنها به وکلایشان بود.

نقش اجتماعی و خدماتی نسبت به امامان علیه السلام و شیعیان؛ وکلای ائمه علیه السلام علاوه بر فعالیت های اصلی یاد شده، در مشکلات و سختی های شیعیان، همراه و همدل با آنان حرکت می کردند و در حد توان و امکان در رفع حوائج شان کوشا بودند.

نقش مبارزاتی بر ضد منحرفان و مدعیان دروغین باییت؛ برخی از منحرفان فکری، اعتقادی و اخلاقی، گاهی با سابقه وکالت برای ائمه علیه السلام یا بدون آن راه خیانت و انحراف در پیش می گرفتند و مقابله با فسادها و خیانت های مالی وکلای فاسد و خائن نیز از مسئولیت های کارگزاران سازمان وکالت بود. (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۸۰-۳۳۵)

#### ۴. نواب اربعه و چگونگی انتخاب ایشان

نواب اربعه امام مهدی علیه السلام عبارت بودند از:

نائب اول: عثمان بن سعید عمری؛

نائب دوم: ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛

نائب سوم: ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

نائب چهارم: ابوالحسن علی بن محمد سمري.

علاوه بر ملاک های عامی مانند ایمان، تقوی، درایت، بندگی خداوند سبحان؛ ملاک های دیگری برای گزینش نوابان خاص وجود داشت، از جمله:

**تقیه و پنهان کاری؛** مثلاً عثمان بن سعید در مباحث و جدال های مذهبی یا سیاسی شرکت نمی کرد تا موقعیت مهم و جایگاه نیابت او مورد توجه حاکمان واقع نشود. حسین بن روح نیز از روی تقیه در مجلسی از خلفای راشدین به نیکی یاد کرد و بالاتر این که یکی از خادمان خود را به دلیل لعن معاویه، اخراج نمود. (پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۹۳)

**استواری و مقاومت؛** در همین راستا برخی از ابوسهل نوبختی پرسیدند:

چگونه به جای تو، حسین بن روح به نیابت رسید؟ او گفت: امامان بهتری می دانند که چه کسی برای نیابت لیاقت دارد. من با مخالفان مناظره می کنم و اگر آن چه را حسین بن روح درباره مهدی علیه السلام می داند می دانستم، شاید در مقام بحث برای اثبات وجود امام، محل اقامت او را آشکار می کردم؛ ولی حسین بن روح چنان است که اگر امام را در زیر عبای خود

داشته باشد، او را نشان نخواهد داد؛ گرچه بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند.  
(بالادستیان، حائری پور، یوسفیان، ۱۳۹۳: ۸۵)

**زیرکی و درایت؛ مثلاً عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان به روغن فروش**  
معروف بودند و در پوشش یک شغل مرسوم و متداول اجتماعی، کار نیابت را انجام می‌دادند.  
نائب سوم، حسین بن روح نیز با نفوذ در دستگاه حاکم و به عهده گرفتن پست دولتی، از  
حساس شدن دستگاه درباره خود جلوگیری کرد. آنان هرگز نمی‌پنداشتند که وی با امام غایب  
در ارتباط باشد. (بالادستیان، حائری پور، یوسفیان، ۱۳۹۳: ۸۵؛ پورسیدآقایی و همکاران،  
۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۹۳)

چنان‌که می‌بینیم در روایات، پست دولتی حسین بن روح، تنها به عنوان پوششی برای  
مخفی کردن نیابت او مورد بهره‌برداری ایشان قرار گرفته است. ضمناً وجود او در دربار، به  
یاری رساندن به شیعیان در مواقع لزوم کمک فراوان می‌نمود؛ اما در این روایات هیچ‌گاه  
مطلبی از نیومن مبنی بر وابستگی سازمان نیابت به افراد درباری دیده نمی‌شود.

#### ۵. آخرین توقیع و روشن شدن تکلیف شیعیان در دوران غیبت طولانی

آخرین توقیع از ناحیه مقدسه شش روز قبل از درگذشت «ابوالحسن علی بن محمد سمری»  
صادر شد. در این توقیع امام مهدی علیه السلام زمان درگذشت سمری را پیشگویی کرد و اعلان نمود  
که بعد از این سفیر و نائبی را معین نکند و با مرگ سمری دوره غیبت صغری به پایان می‌رسد و  
غیبت کبری شروع می‌شود. آن توقیع شریف بدین قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم، يا علي بن محمد السمری! أعظم الله أجرًا خوانك فيك فإِنَّكَ مَيِّتٌ  
ما بينك وبين سِتَّةِ أيام، فاجمع أمرك ولا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك، فقد  
وقعت الغيبة التامة، فلا ظهور إلا بعد إذن الله تعالى ذكره وذلك بعد طول الأمد وقسوة  
القلوب وامتلاء الأرض جوراً. وسيأتي شيعتي من يدعي المشاهدة (ألا فمن ادّعى  
المشاهدة) قبل خروج السفیانی والصّیحة فهو كذاب مفتر ولا حول ولا قوة إلا بالله العليّ  
العظیم؛

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند متعال به برادران  
دینی تو در مصیبت رحلت تو اجر و پاداش بزرگی عطا فرماید. شما تا شش روز دیگر از دنیا  
می‌روی، بنابراین کارهایت را جمع کرده، به کسی هم وصیت نکن که جانشین تو بشود؛  
زیرا که غیبت کبری واقع شده است، پس دیگر ظهوری نخواهد بود. مگر به اذن و اجازه  
حق تعالی، و آن هم پس از مدّت بسیار طولانی و وقتی که قلب‌ها را قساوت فراگیرد و



زمین مملو از جور و ستم شود. به زودی از شیعیان من کسانی می آیند که مدعی دیدن من هستند، بدانید که هرکس پیش از خروج سفیانی و رسیدن زمان صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، دروغگو و افترازننده است و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم. این روایت با توجه به صدر آن ناظر بر این است که پس از سمری، امام، نایب خاصی ندارد و هرکسی که ادعا کند امام را زیارت می کند و با ایشان ارتباط دارد و دستور می گیرد و یا این که مأمور است کاری را انجام دهد و یا این که مردم را به عنوان نایب خاص به پیروی خود دعوت کند، حتما دروغ گفته است. بنابراین مراد صرف زیارت امام نیست؛ چنان که بسیاری از علمای باخلاص، ایشان را زیارت کرده اند. (طوسی، ۱۳۸۶: ۶۸۴)

چنان که از این توقیع آخر مشخص است، شیعیان از این زمان به بعد وارد عصر غیبت کبری شده و ارتباط ایشان با امام به واسطه نائبان به اتمام رسیده و برای حل مشکلات باید به فقهای امامیه مراجعه شود. چنان چه ولی عصر علیه السلام طبق توقیعی دیگر می فرماید:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم؛

اما در حکم پیشامدهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آنها حجت بر شماست و من حجت بر آنهایم (ابن بابویه، ۱۳۳۸: ۱۶۱).

بدین ترتیب شیعه وارد عصر جدیدی (غیبت کبری یا دوره فقها) می شود که بر اساس همین دستور امام مهدی علیه السلام بوده است و نه راه حلی از فقهای امامیه برای ادامه حیات تشیع که این دو مستشرق مطرح کرده اند.

#### دیدگاه هالم و نیومن پیرامون ظهور امام مهدی علیه السلام

آن چه از ظهور امام مهدی علیه السلام در مطالب هر دو مستشرق (و اصولاً بیشتر کسانی که در این باره بدون مطالعه مطالب اصیل شیعه نظریه پردازی کرده اند) یافت می شود، خشونت و خونریزی شدید امام مهدی علیه السلام است. هالم در کتاب تشیع خود در مورد ظهور امام مهدی علیه السلام این گونه می نویسد:

برعکس امامان قبل از خود که بردبار و صلح جو بودند، آن حضرت صاحب السیف (دارای شمشیر) خواهد بود. (هالم، ۱۳۸۹: ۷۹)

نیومن نیز روایتی از کتاب محاسن از امام صادق علیه السلام درباره زکات نقل می کند:

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت باز می گردد، کسانی را که از پرداختن زکات خودداری کنند، گردن می زند. (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

البته نیومن خود در کتابش اعلام می‌کند که این کتاب در مقام سنجش صحت احادیث نبوده است؛ با این وجود تأثیر این گونه احادیث در مطالب او واضح است، چرا که هر جا از ظهور سخن رانده به همین خشونت‌ها اشاره کرده است. از جمله می‌نویسد:

«جفر سرخ» اسلحه‌ای است که هنگام بازگشت امام غایب مورد استفاده‌اش قرار خواهد گرفت. (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۲۹)

و بعد در تعریف این اسلحه، حدیثی از *بصائر الدرجات* صفار قمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

ایشان دارای «جفر سرخ» هستند که به گفته ایشان، سلاحی است که کشیده نمی‌شود مگر برای خون ریزی و می‌فرمایند: «صاحب سیف» یعنی امام غایب علیه السلام آن را برای قتل بیرون می‌آورد. (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

یا در جای دیگر از کتاب حسین نقل می‌کند که در کتاب *قیام علی* علیه السلام نوشته شده: قائم علیه السلام شمشیر خواهد کشید و پس از آن ممکن است به پیروانش اجازه دهد تا مادام که مالیات زمین را پرداخت می‌کنند، آن را - که به راستی همه‌اش متعلق به اوست - اداره کنند. (نیومن، ۱۳۸۶: ۴۳۴)

### نقد دیدگاه هالم و نیومن پیرامون ظهور امام مهدی علیه السلام

#### ۱. احادیث راجع به ظهور امام مهدی علیه السلام

در روایات فراوانی (تقریباً همه احادیثی که درباره ظهور صادر شده است) می‌بینیم که از پر شدن جهان با قسط و عدل سخن گفته شده است. مطالبی که در بالا از دو مستشرق بیان شد، در تضاد کامل با صفت عادل بودن امام مهدی علیه السلام و پر شدن جهان از قسط و عدل توسط ایشان است. از جمله از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که ایشان فرمودند:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند، خداوند تبارک و تعالی همان روز را آن قدر طولانی می‌کند تا این که مردی از فرزندان من قیام کرده و زمین را همچنان که پراز ظلم و تبعیض شده، مملو از عدل و قسط می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۶: ۷۳۴)

این گونه روایات در منابعی حدیثی شیعه و سنی به وفور یافت می‌شود و آنچه در احادیث خصوصاً نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دیده می‌شود آن که ایشان برای مبارزه با فساد و ظلم فراگیر به پا خاسته و جهان پس از ظهور ایشان به همان گونه که پراز ظلم شده است، پراز عدل و عدالت مهدوی می‌شود و در تضاد کامل با خشونت‌ی است که نه تنها در استنادات این دو مستشرق

یافت می‌شود بلکه در کتب حدیثی شیعه خصوصاً کتاب *الغیة نعمانی* نیز یافت شده و باعث این سوء برداشت‌ها و نیز سوء استفاده‌ها شده است. برداشت خشونت‌آمیز از روایاتی که حاوی مبارزه حضرت با ظالمینی است که حجت بر آنها تمام شده و راهی جز خشونت برای آن که آنها دست از ظلم و ستم بردارند، وجود ندارد نیز بیشتر حاکی از تفکر زیدی این منابع است.

## ۲. تحلیل برداشت‌های نادرست از احادیث و سوء استفاده‌های ناشی از آن

متأسفانه عدم توجه به سایر قسمت‌های این دسته از روایات (روایات حاوی خشونت) یا روایات دیگری که مضمون این روایات را کامل می‌سازند، سبب شده است که برخی افراد تصویری مخدوش و نامناسب از مسئله ظهور امام زمان علیه السلام در ذهن داشته باشند و این امر خود بستر و زمینه‌ای را فراهم ساخته تا دشمنان آگاه از طریق تصرف در مفهوم یا ایجاد تحریف در متن و موضوع این قبیل روایات، حقیقت مسئله مهدویت را بر خلاف آن چه که هست نشان دهند و حتی امروزه شاهد هستیم که به کمک ابزارهای تبلیغاتی مدرن، این مسئله را به عنوان یک اندیشه خطرناک که فرهنگ و تمدن بشری را تهدید می‌نماید معرفی می‌کنند.

ساختن فیلم‌هایی چون «نوستر آداموس» (به معنی مردی که فردا را دید که در آن ضمن پیش‌گویی‌هایی، حضرت مهدی علیه السلام را «پادشاه وحشت» معرفی می‌کند) از جمله این فعالیت‌هاست که در ضمن آن عوامل استکبار جهانی و صهیونیست بین‌الملل تلاش می‌کنند که «مهدی موعود» را ضد صلح و امنیت و جنگ طلب و... معرفی نمایند و از این طریق به تخطئه تفکر مهدویت می‌پردازند و به اهداف مهدی‌ستیزانه خود می‌پردازند. صهیونیسم کوشیده است در رسانه‌های مکتوب و تصویری خود، قضیه دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و ضدیت جمهوری اسلامی با اسرائیل را با موعود باوری شیعی، در یک راستا تحلیل نمایند و نبرد غرب را با عنوان مبارزه با جنگ طلبی شیعیان و تروریسم مهدی معرفی کنند. (بالادستیان، حائری پور و یوسفیان، ۱۳۹۳: ۱۴۸)

درباره این گونه احادیث باید متذکر شد، «شمشیر» همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست همان‌گونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. منظور از قیام امام زمان علیه السلام به سیف، همان اتکای بر قدرت است؛ برای این که چنین گمان نشود که این مصلح بزرگ آسمانی به شکل یک معلم یا واعظ یا راهنمای مسائل اجتماعی، ظاهر می‌شود و رسالت او تنها اندرز مردم است. بلکه او یک رهبر درون‌نگر و دوراندیش است که نخست از حربه منطق بهره‌گیری کافی می‌کند و آنجا که گفتار حق سودی نبخشد که در مورد بسیاری از زورگویان و جباران

سودی هم نخواهد داشت، دست به شمشیر می‌برند یعنی متوسل به قدرت می‌شود. ایشان تنها وظیفه روشنگری و ارائه راه ندارند بلکه وظیفه مهم ترشان - علاوه بر این - اجرای قوانین الهی و به ثمر رساندن انقلاب تکاملی اسلام و رساندن به مقصد و ایصال به مطلوب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۵۲-۲۵۴)

قرآن کریم در آمادگی مسلمانان در مقابل دشمنان می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال: ۶۰)؛

هرچه توانایی دارید در برابر دشمنان از نیرو و قدرت و اسب‌های ورزیده برای جنگ با دشمن آماده سازید تا بدین وسیله دشمنان خدا و خود را بترسانید.

مفسران در تفسیر «من قوه» گفته‌اند که منظور از قوت هر نوع سلاحی است که انسان به وسیله آن تقویت شود و بر دشمن حمله نماید. خواه نیزه، و خواه موشک و... باشد. شاید سبب بکار بردن کلمه «قوه» یعنی نیرو، این باشد که شامل هر نوع اسلحه و نیروی جنگی و دفاعی که تا قیامت ساخته می‌شود بشود؛ چون در زمان نزول قرآن بزرگ‌ترین مظهر و مصداق نیرو و قدرت جنگی، اسب‌های جنگی بوده که آیه به آنها تصریح نموده است. (رجالی تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۱۹)

مسلم است که امام مهدی علیه السلام نیز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست اعلان دعوت عمومی می‌کند و در آغاز ظهورش، مردم را از پیام انقلاب خود آگاه می‌سازد و اتمام حجت می‌کند. در این میان عده‌ای دعوتش را می‌پذیرند و راه سعادت پیش می‌گیرند و عده‌ای به مخالفت برمی‌خیزند که امام مهدی علیه السلام در برابر این‌ها قیام مسلحانه می‌کند. چنان که امام جواد علیه السلام فرموده است:

وقتی ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرت قائم علیه السلام به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می‌سازد، و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خدا قیام مسلحانه می‌کند و خروج می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۱: ج ۵۲، ۲۸۳)

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار که به بررسی دیدگاه هالم و نیومن درباره اصل اندیشه مهدویت، متولد شدن امام مهدی علیه السلام، مسئله غیبت ایشان و ظهورشان پرداخته شد. با توجه به رویکرد تحقیقی

هالم (تاریخی) و نیومن (حدیثی) از دو منظر تاریخ و حدیث به بررسی و ارزیابی این دیدگاه پرداخته شد. سعی شد با ذکر مستندات تاریخی، متولد شدن امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ ق اثبات گردد و با ذکر قول افراد موثقی که امام را در بدو تولد و در کودکی مشاهده کرده بودند، جای هیچ‌گونه تردیدی برای پذیرفتن این امر باقی نماند. همچنین با ذکر کتبی (شیعی و سنی) که پیش از غیبت ایشان و براساس گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته شده بود و ذکر احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که مسئله غیبت امام را از همان آغاز اسلام مطرح نموده بودند؛ مشخص شد امت مسلمان با غیبت ایشان بیگانه نبودند و می‌دانستند چنین اتفاقی می‌افتد. وجود افرادی که از صدر اسلام ادعای مهدویت می‌کردند، مانند طرفداران محمد حنفیه که فرقه کیسانیه را تشکیل دادند و قائل به غیبت و زندگی پنهانی ایشان در کوه رضوی بودند نیز تأییدی بر مطرح بودن غیبت «مهدی» از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. البته اگر احادیث غیبت امام مخصوص شیعه تلقی شود و به علمای قرن چهارم نسبت داده شود (تهمتی که برخی به علما و فقهای شیعه زده‌اند)، حتی اگر به سلسله روایات این احادیث و صحت آن رجوعی نشود، احادیث فراوان شیعه و سنی مبنی بر ظهور امام در آخرالزمان برای نجات بشر از ظلم و جور که دنیا را فرا گرفته است، کاملاً باعث تصدیق رخ دادن امر ظهور توسط فردی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام خواهد شد و بنابراین انکار اصل مهدویت توسط عالمان حقیقت‌جو امکان نخواهد داشت.

اثبات وجود امام و حضور ایشان از سال ۲۵۵ ق تا کنون و غیبت ایشان، امری است که ممکن است تحقق آن تنها با ذکر احادیث، بعید یا غیر ممکن باشد و در این راستا، باید به دلایل قرآنی و عقلی نیز پرداخته شود و جای انکار و شبهه‌ای باقی نگذاشت؛ اما چون آوردن این مطالب مقتضی این نوشتار نبود، از ذکر آن صرف نظر شد؛ ضمن آن که تحقیق و آثار در این زمینه به فضل الهی با قلم قدرتمند و بیان شیوای دانشمندان و علمای شیعی به فراوانی انجام شده و به رشته تحریر درآمده است؛ به گونه‌ای که جای تردید برای هیچ محقق حقیقت‌جویی باقی نمی‌ماند. اگر طرح شبهات متعدد از هر سو (با وجود سایت‌های مختلف مجازی که خود را مجاز به اظهار نظر در هر زمینه‌ای بدون اطلاع کافی و درست می‌دانند) افزایش یافته و ایجاد تردید نموده است، از کمبود اطلاعات و دانش عقلی، حدیثی و قرآنی در این زمینه نیست و بی‌تردید یا از محقق نبودن و تلاش علمی نکردن برای یافتن حقیقت است و یا از معاند بودن و بستن گوش و چشم به علت وجود منافع فردی و گروهی است؛ چنان که کفار در صدر اسلام نیز

برای آن که قرآن و سخن حق الهی به گوششان نرسد، گوش‌های خود را گرفته و از شنیدن آن خودداری می‌کردند، مباد که مورد قبول فطرت خدایی‌شان قرار گیرد!

با این که از ذکر دلایل دیگر (عقلی و قرآنی) و همچنین ذکر موضوعات دیگر (مانند شبهاتی که در زمینه‌های مختلف از همان ابتدا از افراد مختلف وجود داشته است و پاسخ به آنها) به علت انطباق با سبک نگارش دو مستشرق مورد مطالعه خودداری شده؛ ذکر این نکته لازم می‌نماید که قصد این پژوهش هرگز متقاعد کردن این دو متفکر شرق‌شناس نبوده و نیست و شاید به منظور اشاره‌ای به ایشان برای تحقیق بیشتر در این زمینه باشد؛ چرا که وقتی متفکران حقیقت جوی غربی به صحت امری پی ببرند، انتقال آن به بلاد غربی و دیگر متفکران و صاحبان قلم و بیان، ساده‌تر می‌شود زیرا مطمئناً ایشان به گفتار متفکران خود که به صحت سخنانشان واقف‌اند، اعتنای بیشتری دارند. انتخاب این مستشرقان برای این تحقیق نیز به علت همین روحیه حقیقت‌جویی ایشان که از آثارشان نمایان است، بوده است.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۳۸.
- ابن صباغ، علی بن محمد، *الفصول المهمة فی معرفة الاثمة*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۲.
- ابی داود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۸۰.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفة الاثمة*، علی بن حسن زواره ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱.
- اکبرنژاد، مهدی، *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه*، قم، بوستان کتاب قم، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- امینی، ابراهیم، *دگسترجهان*، قم، شفق، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
- بالادستیان، حائری پور، یوسفیان، محمدامین، *نگین آفرینش*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.
- پورسید آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، مسعود، *تاریخ عصر غیبت*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- جباری، محمدرضا، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
- جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، *امام مهدی علیه السلام در احادیث شیعه و سنی*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ هفتم، ۱۳۹۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، احمد جنتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- حسینی، غلام احیا، *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (۲۰۰۶-۱۹۵۰م)*، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۷.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النص علی الاثمة الاثنی عشر*، قم، بیدار، ۱۳۶۰.
- رجالی تهرانی، علیرضا، *یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام*، قم، بلوغ، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷.

- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر* علیه السلام، تهران، بوذر جمهری، ۱۳۳۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۳۷۶.
- طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، بیروت، مؤسسه الاعمی للمطبوعات، ۱۳۶۷.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیة*، ترجمه: مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- فتال، محمد بن حسن، *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*، محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۶.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه الامام مهدی علیه السلام، ۱۳۶۸.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابيع المودة لدوی القربی*، قم، دارالأسوه للطباعة و النشر، ۱۴۲۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، منظم الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۷.
- \_\_\_\_\_، *کافی*، محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۲.
- کورانی، علی، *معجم احادیث امام مهدی* علیه السلام، مؤسسه معارف اسلامی به کوشش عباس مهری، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲۸.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، تحقیق: علی دوانی، تهران، اسلامی، ۱۴۰۱.
- مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصية لعلي بن ابي طالب* علیه السلام، محمد جواد نجفی، تهران، اسلامی، ۱۳۴۳.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- مفید، محمد بن محمد، *ارشاد*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۶.
- مفید، محمد بن محمد، *فصول العشرة فی الغیة*، محمد باقر خالسی، تهران، راه امام، ۱۴۱۳.
- مفید، محمد بن محمد، *مصنفات*، ج ۳، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی حضرت مهدی* علیه السلام، قم، نسل جوان، چاپ ششم، ۱۳۸۷.



- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ترجمه: محمدجواد غفاری، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳.
- نیومن، جی، اندرو، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، مهدی ابوطالبی، محمدرضا امین، حسن شکراللهی، سید لطف الله جلالی، قاسم جواد صفری، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
- هالم، هاینس، تشیع، محمدتقی اکبری، تهران، ادیان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۱، بیروت، مؤسسه الأعمی للمطبوعات، ۱۴۲۲.

